

حیات طیبہ



محمد تقی صرفی پور

جایگاه علمای ربانی

بعد از حمد و ثناء الهی و صلوات بر خاتم و سید پیامبران حضرت محمد و آلش .

بعد از پیامبران و امامان علیهم السلام، برترین افراد بشریت، علماء و فقهاء دینی می باشند. آنها که میراث دار حجت های الهی می باشند. آنها که هادیان بشریت بسوی خدا می باشند. آنها که حافظان دین الهی می باشند. آنها که پناهگاه مردم محروم و مستضعفین جامعه هستند. آنها که یاور مظلوم و دشمن ظالمان هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، بیش از هر پیام آوری، پیروان موعود خویش را به تحصیل علم و دانش صحیح و هدفمند امر نموده است و قرآن در میان سایر کتب بیش از همه، علم و علماء را ستوده است. قرآن کریم در آنجایی که می فرماید: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر) بین دانشمندان و غیر ایشان امتیازی آشکار دیده است و بلکه به مفاد آیه شریفه الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِيَعْلَمُوا... (طلاق 21) علم و معرفت و آگاهی را علت خلقت جهان علوی و سفلی قرار داده است.

«رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَمَنَارًا، كَانُوا دُعَاءَ إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَمَجْهُودِ طَاقَتِهِمْ» (خداوند گروهی را مورد رحمت قرار دهد که چراغ فروزان و روشنی بخش بودند و با اعمال خویش و به کار بردن تمامی توان خود مردم را به سوی ما دعوت کردند.⁽¹⁾

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي. فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ خُلَفَاؤُكَ؟»، قال صلى الله عليه وآله : الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنتِي وَيُعَلِّمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ.»⁽²⁾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند جانشینان مرا رحمت کند. گفته شد یا رسول الله! جانشینان شما چه کسانی هستند؟، فرمود: کسانی که سنت مرا زنده می کنند و آن را به بندگان خدا می آموزند.»

استاد قرائتی در یکی از خاطرات خود می گوید: «در خدمت علامه طباطبایی بودم. از ایشان پرسیدم که قرآن می فرماید: "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ"؛ (فاطر / 28). "از بین بندگان خدا تنها آنها که عالم و دانایند خدا ترسند." در حالی که من در اول تحصیل و طلبگی ام که عبادت می کردم، حال بهتری داشتم. هر چه علمم بیشتر شد، حال و توجهم کمتر شده است. دلیلش چیست؟ ایشان فرمودند: دلیلش این است که اینها که خوانده ای، علم حقیقی نبوده است؛ چون امیر المومنین علیه السلام می فرمایند: "ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ؛ ثمره علم، عبادت و بندگی خداست." پس علم واقعی آن است که هر چه بیشتر می شود، خشوع و تواضع و ادب انسان نیز بیشتر می شود، حال اگر دیدیم دانش آموز و دانشجو هر چه علمش بیشتر می شود،

(1) الحیاء، محمد رضا حکیمی و محمد حکیمی، ج 1، ص 298

(2) قرآن و تبلیغ، ص 39

ادب و تواضعش نسبت به استاد و پدر و مادر و دیگران کمتر می گردد، معلوم می شود علمی که خوانده، حقیقی و خدا پسند نبوده است.⁽¹⁾

فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون (نحل 34) از عالمان پرسید اگر نمی دانید.

امام حسن عسگری (ع) فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ وَطُغْيَانًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»⁽²⁾.

(هر يك از فقها كه نفس خویش را (در برابر گناه و خواری) حفظ كند و حافظ دین خویش بوده، با هوای نفس خود مخالفت ورزد و مطیع امر مولای خود باشد، بر عوام است كه از او تقلید كنند.

در «عوآئد الايام» از «الفقه الرضوی» روایت شده است كه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مَنْزِلَةُ الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ. «منزله و میزان فقیه در این زمان، مثل انبیاء بنی اسرائیل است»

روایتی است در «احتجاج شیخ طوسی» كه حدیث طولی است، تا میرسد به اینجا كه: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ أئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى؟! قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعُلَمَاءُ إِذَا صَلُّوا»

به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض شد: بهترین خلائق بعد از ائمه هدی و چراغهای تابان ظلمات و تاریکی چه کسانی هستند؟! حضرت فرمود: علماء هستند زمانی كه صالح باشند.

(1) مجله مبلغان

(2) وسائل الشیعه، ج 18، ص 94 و 95

روایتی است در مجمع البیان طبرسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم كه فرمود: فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى النَّاسِ كَفَضْلِي عَلَى أَذْنَاكُمْ

«میزان فضیلت و شرافت عالم بر مردم، مثل میزان شرافت و فضل من است بر پائین ترین افراد شما.»

روایتی است در منیه المرید شهید ثانی، که خداوند علیّ اعلیّ به عیسی بن مریم می فرماید: عَظَّمَ
الْعُلَمَاءَ وَاعْرِفْ فَضْلَهُمْ، فَإِنِّي فَضَّلْتُهُمْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي إِلَّا النَّبِيَّ وَ الْمُرْسَلِينَ كَفَضَلِ الشَّمْسِ عَلَى
الْكَوَاكِبِ، وَ كَفَضَلِ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَ كَفَضَلِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.

«ای عیسی! مقام علماء را عظیم بدار! فضل و شرف آنها را بدان و بدرجه و مقام و فضل آنها عارف
شو! چرا؟ برای اینکه من علماء را فضیلت دادم بر تمام مخلوقات خودم سوای پیغمبران و مرسلین، مثل
فضیلت و شرافتی که خورشید بر ستارگان دارد؛ و مثل فضیلت و شرافتی که آخرت نسبت به دنیا
دارد؛ و مثل فضیلتی که من بر هر چیز دارم.»

در توقیع نقل شده از امام زمان عج در پاسخ اسحاق بن یعقوب که حکم برخی از مسائل را پرسیده
بود، چنین آمده است :

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»⁽¹⁾

و در مورد رویدادهای پدید آمده ، باید به راویان حدیث ما(فقهاء شیعه) رجوع کنید، آنان حجت من
بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها هستم .

(1) وسائل الشیعه ، ج 18، ص 101

امام امت آن افتخار روحانیت درباره نقش روحانیت می فرماید:

«صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال
معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که به حق از جهاتی افضل
از دماء شهیدان است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی

خود مرارت ها و تلخی هایی متحمل شده اند و همراه با تحمل اسارت ها و تبعیدها، زندان ها و اذیت و آزارها و زخم زبان ها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته اند زیاد است. در هرنهضت و انقلاب الهی و مردمی علمای اسلام اولین کسانی بوده اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده اند و بر بالای دار نرفته اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرش های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در 15 خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین از کدام قشر بوده اند؟ خدا را سپاس می گذاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دوهزار و پانصد نفر از علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه داران و پول پرستان و خوانین نرفته اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه داران در یک کاسه است و خداوند کسانی را که این گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می کنند، نمی بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده اند و با قناعت و بزرگواری زیستند. در ترویج روحانیت و فقاقت نه زورسرنیزه بوده است، نه سرمایه پول پرستان و

ثروتمندان بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده اند. مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده ها برخورد احتیاط آمیز کنند علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهانخواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهای چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی نمود؟ به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت ها و

مهمتر از همه احساس مسوولیت در برابر توده ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از این که روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاقت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی کند، ساده اندیشی نیست؟»⁽¹⁾

نقش علماء در دوران غیبت کبری

1- حفظ اسلام

همانطور که پیامبران و امامان ع مسئولیت مهم حفظ دین را بر عهده داشتند و هر کدام که می آمدند در مدت عمر امامتشان حافظ دین بودند.

«وَتَخَيَّرْتُ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ»⁽²⁾

علماء شیعه هم در طول تاریخ تشیع، باهمه توانشان از دین حفاظت کردند تا به دست ما رسیده است.

امام امت رض در کتاب شریف ولایت فقیه می نگارد: «این که فرموده اند: فقها حصون اسلامند؛ یعنی مکلفند اسلام را حفظ کنند و زمینه ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و این از اهم واجبات مطلق می باشد نه مشروط.»

(1) سخنرانی سوم اسفند 67

(2) فرازهایی از دعای ندبه

امام امت معتقد بودند حفظ دین از نماز هم واجب تر است و علماء شیعه هم این وظیفه را به نحو احسن انجام دادند و نگذاشتند این دین الهی همچون مسیحیت و یهودیت دچار تحریف شود بلکه با مجاهدت علماء شیعه، اسلام ناب محمدی صحیح و سالم و تحریف نشده بلکه روشن تر از گذشته به دست ما رسیده است و همین افتخار برای این میراث داران پیامبران کافی است.

امام خمینی رض درباره نقش روحانیت در اسلام فرمودند: ما می بینیم که ای ن اسلام را با همه ابعادش، روحانیون حفظ کرده اند. یعنی معارفش را روحانی حفظ کرده، فلسفه اش را روحانی حفظ کرده، اخلاقش را روحانی حفظ کرده، فقهش را روحانی حفظ کرده، احکام سیاسیش را روحانی حفظ کرده است.

اسلام بی روحانی مانند اسلامی است که سیاست نداشته باشد. اسلام و آخوند این طور توی هم هستند. اسلام بی آخوند اصلاً نمی شود. پیامبر هم آخوند بوده. یکی از آخوندهای بزرگ، پیامبر است. حضرت امام جعفر صادق هم یکی از علمای اسلام است.⁽¹⁾

2- اشاعه فرهنگ قرآن و اهل بیت ع

علماء شیعه با مجاهدتهای عظیم خود، توانستند فرهنگ قرآن و فرهنگ اهل بیت ع را اشاعه دهند و بشریت را با این دو امانت پیامبر اسلام ص آشنا سازند. در داستانهای که از بعضی از علماء در این کتاب نقل شده، ملاحظه می کنید که مثلاً آخوند ملا کاظم خراسانی چقدر گرسنگی و فقر را تحمل کرده ولی با همت والا توانست دهها مجتهد تربیت نماید. یا سید نعمه الله جزایری چه شبهای فراوانی که

(1) کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی

تا صبح به مطالعه مشغول بوده تا این میراث عظیم ائمه ع را محافظت نماید. و دیگر علماء هم این چنین بودند.

3- مبارزه با بدعتگزاران

پیامبر اکرم ص یکی از وظایف عالم دینی را، مبارزه با بدعت و آگاه ساختن مردم از انتشار آنها بیان می فرمایند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»⁽¹⁾ آن گاه که بدعتها در امت من ظهور کنند، پس عالم باید علم خود را آشکار سازد. پس هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.»

امام عظیم الشان فرمود:

«اگر بدعت‌ها در دین ظاهر بشود، بر علماست که دانش خود را آشکار کنند و نگذارند فریب‌ها و نیرنگ‌ها و دروغ‌های بدعت‌گذاران در دین و در مردم اثر کند و باعث انحراف شود».⁽²⁾

4- تزکیه نفوس و انسان‌سازی

علماء شیعه در طول مدت دوران غیبت کبری وظیفه انسان‌سازی را به نحو احسن انجام دادند و توانستند هزاران نفر را با معارف الهی آشنا کنند و آنها را از تاریکی و ظلمات گناه و جهل و بی‌دینی، به نور ایمان و علم و تقوا رهنمون شوند. مخصوصاً امام امت که واقعا اعجاز کردند و با این انقلاب عظیم میلیون‌ها نفر را در داخل کشور و خارج متحول کرده، الهی نمودند.

اینکه با وجود این همه ظلم به شیعیان، شیعیان باشکوه‌تر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهند و هر روز بر تعداد پیروان اهل بیت ع در دنیا افزوده می‌گردد به

(1) کافی، ج 1، ص 45/

(2) صحیفه، ج 8، ص 861

برکت مجاهدتهای علماء و فقهاء شیعه می‌باشد.

5- تشکیل حکومت اسلامی در صورت امکان

علماء شیعه هرگاه فرصت و امکان پیدا می‌کردند به تشکیل حکومت اسلامی مبادرت ورزیدند که نمونه آن انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام امت رضی می‌باشد اگرچه در دوران صفویه، نیز

علماء شیعه با عنوان شیخ الاسلام تا آنجا که می توانستند به اجرای دستورات اسلامی می پرداختند. همانند شیخ الاسلامی علامه مجلسی یا شیخ بهائی یا علامه کرکی .

6- حمایت از محرومان

حوزه و روحانیت در طول تاریخ، شریک درد و رنج مردم بوده و درد ایشان را رنج خود دانسته و در حد توان خود در رفع نیازهای آنان کوشیده است.

امام خمینی رض می فرماید:

«آن چیزی که روحانیون، نباید هرگز از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان در بروند، حمایت از محرومین و پا برهنه هاست ... در تحقق آن، اگر کوتاهی کنیم خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.»⁽¹⁾

رهبر کبیر انقلاب در این زمینه می فرماید:

«صدها سال است که روحانیت اسلام، تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگ سیراب شده اند.»⁽²⁾

«...روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناه گاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و

(1) صحیفه، ج 20، ص 442

(2) همان، ج 21، ص 98

حمایت بی دریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.⁽¹⁾

7- یاور مظلومان و دشمن ظالمان

در طول تاریخ غیبت کبری، علماء شیعه همواره ناصر و یاری گر مظلومین بودند و هیچگاه با ظالمان و مستکبران همراه و همکار نبوده اند. نمونه آن مبارزات سید جمال اسدآبادی، میرزای شیرازی، میرزا کوچک جنگلی، شیخ فضل الله نوری، آیه الله کاشانی، نواب صفوی و در راس همه وعظیم تر و مهم تر از همه مبارزین تاریخ اسلام، مبارزات امام خمینی رض و علماء یاور و همراه ایشان در همه بلاد ایران می باشد.

در حال حاضر هم پرچم مبارزه با استکبار جهانی ورژیم ظالم و جنایتکار صهیونیستی بدست با کفایت آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای حفظه الله می باشد.

8- رهبری معنوی شیعیان

از مهمترین مسئولیت هائی که علماء شیعه به عهده داشتند و در این کار بسیار موفق بودند رهبری معنوی پیروان اهل بیت ع در دوران غیبت کبری بوده است. در هر شهر و روستائی عالمی بوده است که چون خورشید می درخشیده و مردم به چشم نایب امام زمان عج به او نگاه می کرده اند. لذا هر دستوری می داده و هر مطلبی می فرموده مردم اطاعت می کردند. و دستور او را مهم تر از دستور حاکمان و سلاطین می دانسته اند. وقتی در سامراء مرض و بلاء بیداد می کرد و هر روز تعدادی از شیعیان تلف می شدند و می مردند. آیه الله محمدتقی شیرازی مرجع آن زمان دستور داد تا شیعیان زیارت عاشورا بخوانند و ثوابش را به روح نرجس خاتون س هدیه کنند. شیعیان همه اطاعت کردند و به دستور ایشان عمل کردند و نجات یافتند و دیگر

احدی از وباء نمرود.

این هشت مورد همه آنچه که وظیفه علماء شیعه بوده نیست بلکه قسمتی از آن وظایف است. که مهمترین اثر و نقش علماء شیعه در سخن امام هادی ع آمده که فرمود اگر علماء شیعه در دوران غیبت کبری نباشند همه مردم مرتد می گردند.

قال علی بن محمد علیهما السلام: لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمًا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالِدَّالِينَ عَلَيْهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لَضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فَخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسْكُونَ أَرْمَهُ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أُولَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛

« بعد از غیبت قائم ما اگر باقی نمی ماند کسانی از علماء که به سوی خدا دعوت کنند و مردم را بر او دلالت کنند و با براهین الهی از دین خدا دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را از بیابانهای خشک زار شیطان و پیروان او و از دامهای دشمنان اهل بیت نجات دهند، هیچ کس باقی نمی ماند مگر اینکه از دین خدا بر می گشت. ولیکن این علماء هستند که زمام قلبهای ضعیف شیعه را در دست دارند؛ همانگونه که ناخدای کشتی سکان کشتی را به دست دارد و آن را نگه می دارد. این دانشمندان در نزد خداوند عزیز و جلیل با فضیلت ترینها هستند.»

البته علماء مشاوری امین و مدبر و رایگان برای مردم بوده اند که بر اثر این مشورت ها افراد زیادی نجات یافتند و مشکلشان حل شد. همچنین امامت جماعت نمازهای شیعیان در طول دوران غیبت کبری به عهده عالمان ربانی بوده است. مسئولیت امور حسبیه از قبیل وجوهات شرعی و مسائل عقد و ازدواج و امثال آن را عالمان شیعه انجام داده و می دهند. گسترش علوم قرآن و علوم آل محمد هم از کارهای بسیار بزرگ عالمان شیعه در طول این دوران بوده است. که نقش عالمان

شیعه در دوران تمدن اسلامی و در تخصصی کردن علوم اسلامی غیرقابل انکار است و شاهد آن هزاران جلد کتابهای مهمی است که نوشته و منتشر شده که فقط یک عنوان کتاب علامه مجلسی 113 جلد است.

(1) برگی از دفتر آفتاب - شرح حال شیخ السالکین حضرت آیت الله العظمی بهجت ، اثر : رضا باقی زاده پُلامی .

در این نشریه درباره زندگینامه علما بزرگ کرمانشاه شامل

شیخ مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی -

آیت الله حاج شیخ عبدالخالق عبداللهی

مرحوم آیت الله العظمی حاج سید مرتضی حسینی نجومی کرمانشاهی (ره)

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی

علامه حیدرقلی سردار کابلی

آیت الله العظمی عبدالجلیل جلیلی

فقیه مبارز مرحوم آیت الله العظمی محمد رضا کاظمی

ایه الله محمد میبدی

مطالب مختصری عرضه خواهیم نمود. در ضمن از دست اندرکاران وبلاگ سایت
خوب علماء کرمانشاه

<http://alem-kermanshah.blogfa.com>

که در این زمینه فعالیت بسیار خوبی دارند تشکر می نمائیم.

علماء ربانی کرمانشاه

شیخ مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی

حاج آخوند در شناساندن امام خمینی به مردم، به عنوان مرجعی کامل و رهبری آگاه به مسائل زمان، بسیار تلاش کرد. تلاش های او در معرفی شخصیت علمی و سیاسی امام خمینی (قدس سره) تنها به سخنرانی ها و ملاقات هایش با مردم و خواص محدود نمی شد؛ بلکه از خطیبان زبردست و آگاه سراسر ایران نیز به همین منظور دعوت کرد که از جمله اند: آیه الله طالقانی، آیه الله خزعلی، شهید سید علی اندرزگو؛ همان طور که عالمان شهر نیز در این راستا به روشنگری مردم می پرداختند

آیت الله حاج مجتبی حاج آخوند، در 13 جمادی الثانی سال 1347 ق. (1308 ش) در کرمانشاه
در خاندانی پاک نهاد و منتسب به سلسله جلیل روحانیت، دیده به جهان خاکی گشود

پدرش آیه الله شیخ حسن حاج آخوند متولد 1301 ق. از شاگردان میرزای نائینی و سید ابوالحسن
اصفهانی در نجف اشرف بود. وی بعد از کسب اجازه اجتهاد و روایت از استادان بنام حوزه علمیّه
نجف، به قصد تبلیغ احکام و معارف دین، ارشاد مردم و تقویت بنیه علمی حوزه علمیّه کرمانشاه، در
آن شهر رحل اقامت افکند و سال ها منشأ خیرها و برکات بود

جدش آیه الله ملا حسین حاج آخوند اصفهانی، از عالمان و فقیهان طراز اوّل تاریخ کرمانشاه بود. وی
در اصفهان متولد شد و در نجف تحصیل کرد و در کرمانشاه به تبلیغ دین اشتغال داشت. او در جریان
مشروطیت، به قصد هدایت و قطع دست ظالمان از سر مردم کرمانشاه در کنار سایر عالمان و فقیهان،
فعالیت های زیادی انجام داد. مدفن وی و فرزندش شیخ حسن حاج آخوند در قبرستان وادی السلام
*(نجف اشرف است). 1

روزگار کودکی ایشان در دامن پرمهر مادری نمونه از تبار سلسله جلیل روحانیت و در سایه پدری
عالم، فقیه و عارف سپری شد. محیط مناسب خانواده، زمینه دانش دوستی و کمال جویی را در او
شکوفا کرد. وی بعد از طی تحصیلات کلاسیک در سال 1323 ش. (1363 ق) به خاطر اشتیاق
فراوان به تحصیل علوم دینی، وارد حوزه علمیّه کرمانشاه شد و از محضر استادان بنام آن شهر بهره
های فراوان برد. مراحل مقدماتی ادبیات، منطق، فلسفه، فقه، اصول و سایر علوم اسلامی را در حدّ
مطلوبی با جدّیت کامل فراگرفت. حافظه قوی، پشتکار، اهمیت به مباحثه، شرکت مستمر در درس ها،
(احترام به استادان و انس با آنها، از شیوه های تحصیلی وی بود). 2

وی در سال 1332 ش. (1372 ق) برای کسب مراتب عالی علوم اسلامی و رسیدن به درجات
بالا تر از نظر علمی و معنوی، به حوزه علمیّه قم وارد شد و در مدرسه حجّتیّه سکونت گزید و از
محضر آیات عظام و استادان بنام این شهر بهره های کافی و وافیه برد

شیخ مجتبی بعد از سال ها تحصیل و تحقیق در علوم اسلامی، اعم از معقول و منقول، با عنایات و الطاف خاصه خداوند و توسل به اهل بیت (ع) و استعداد فراوان، به درجه عالی اجتهاد رسید و در اکثر علوم اسلامی، صاحب نظر گشت. (3) احاطه بر مسائل فلسفی، مبانی و قواعد فقه و تطبیق آنها بر فروع فقهی هنگام تدریس و طرح مباحث عرفانی و نیز کرسی درس تفسیر قرآن کریم در کرمانشاه، (گویای تبخّری در علوم عقلی و نقلی بود). (4)

استادانی که حاج آخوند از آنها بهره علمی گرفته و از خرمن فضایل و دانش آنان خوشه علم و کمال چیده است، عبارتند از

الف) استادان کرمانشاه

شیخ حسن حاج آخوند. (5) وی از دانشمندان، فقیهان و استادان حوزه علمیه کرمانشاه بوده و در - 1 (مسجد شهبازخان آن شهر، به اقامه نماز جماعت و ارشاد اشتغال داشته است). (6)

سید محمد جواد حسینی نجومی (متوفای 1387 ق). وی از فقیهان عارف و هنرمند بود که از - 2 آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسن علامی و سید حسین (حایری اجازه اجتهاد و روایت داشت). (7)

شیخ محمد حسن علامی (متوفای 1394 ق) (8). او از عالمان و فقیهان بنام تاریخ کرمانشاه، - 3 بلکه تاریخ ایران است. او را فقیهی پژوهشگر، دقیق، فاضل کامل، دانشمندی جامع در علوم عقلی و (نقلی و خوش ادراک معرفی کرده اند). (9)

سید محمود معصومی لاری. (10) وی از عالمان ادیب و فقیهان بزرگ تاریخ کرمانشاه است که - 4 (در تدریس علوم اسلامی، خصوصاً ادبیات عرب، تبخّری خاص داشته است). (11)

سید حسین معصومی لاری (12). او از عالمان و فقیهان کرمانشاه است که در تواضع و فروتنی - 5
ضرب المثل بوده است؛ چه اینکه با کهولت سن و مقام و منزلت علمی اش به تربیت طلاب و تدریس
دروس مقدماتی مثل جامع المقدمات با تواضع و اشتیاق کامل می پرداخته است و کار خود را تقویت
(بنیه علمی طلاب سطح مقدمات در علوم اسلامی می دانست). (13)

محمد آل آقا. (14) او از خاندان آل آقا و منسوب به وحید بهبهانی است که در کرمانشاه به - 6
(وعظ و ارشاد و تدریس اشتغال داشته است). (15)

ب) استادان قم

حاج آخوند درقوی ترین درس های خارج اصول، فقه و فلسفه در حوزه علمیه قم حضور یافت و از
محضر آیات عظام: امام خمینی (قدس سره)، بروجردی، اراکی، محقق داماد، علامه طباطبایی، سلطانی
(و... بهره برد و علوم اسلامی را چون آبی زلال از چشمه هایی جوشان به کام جان خود نوشانید). (16)

در قم بیش تر از امام خمینی (قدس سره) تأثیر پذیرفت؛ به طوری که شیفته رفتار و مقام علمی و
معنوی امام شد؛ چه اینکه بارها پیشنهاد و درخواست برگشت وی به کرمانشاه به او داده شد، ولی به
دلیل تعلق خاطر فراوان به مراد خود، دل کندن از آن دریای جوشان علم و معرفت برایش سخت بود
و تنها موقعی قم را ترک و به کرمانشاه هجرت کرد که فرمان امام به وی، مبنی بر هجرت به آن
(سامان، صادر شد). (17)

آیه الله شیخ مجتبی حاج آخوند در سال 1338 ش. (1378 ق) در سنّ سی سالگی با دختر آیه الله
محمد حسین مسجد جامعی، از مجتهدان حوزه علمیه قم، ازدواج کرد که خطبه عقد این زوج
بزرگوار به وسیله امام راحل خوانده شد.

همسرش بانویی با فضیلت، متقی و برخوردار از عفت و عزت نفس، از خانواده ای فقیه و روحانی بود

که در بهمن 1377 ش. دارفانی را وداع گفت و در قم بعد از اقامه نماز به وسیله آیه الله بهجت، بنابر (فرمان آیه الله خامنه ای در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. (18)

ثمره این ازدواج، سه پسر و سه دختر است. پسران وی به نام های محمد مهدی، علی و حسن هستند که محمد مهدی و علی از طلاب علوم دینی و هم اکنون در حوزه علمیه قم به تحصیل مراحل عالی علوم اسلامی مشغول هستند.

فعالیت های سیاسی حاج آخوند

پیشینه مبارزات سیاسی آیه الله حاج آخوند به قبل از سال 1342 ش. در جریان افشاگری امام خمینی (قدس سره) در مورد مسئله انجمن های ایالتی و ولایتی بر می گردد. وی در جریان مذکور و دیگر حرکت های سیاسی امام علیه دستگاه ستم شاهی پهلوی، در قم و در کنار امام شرکت چشم گیر داشت. (19)

وی در خاطراتش می گوید:

روزی همراه آیه الله خامنه ای به محضر امام خمینی (قدس سره) رسیدیم. او به امام عرض کرد: آقا! «ما توپ و تانک و اسلحه نداریم. چطور می توانیم مبارزه کنیم؟ امام فرمود: «ما اگر مبارزه نکنیم باید بنشینیم و استخاره کنیم؛ ما بیان داریم و بیان ما، قدرت ماست.» واقعاً هم همین طور بود. وقتی امام حرف می زد، سخنرانی می کرد، به دل های مؤمنین قوّت و در دل دشمنان رعب ایجاد می کرد و (این، جز اخلاص امام چیز دیگری نبود.)» (20)

هجرت به کرمانشاه

آیه الله حاج آخوند بنابر فرمان امام خمینی (قدس سره) به ایشان، مبنی بر هجرت به کرمانشاه، به قصد تقویت بنیه علمی طلاب و فضلا و رهبری سیاسی مردم آن سامان، در سال 1342 ش. (1383 ق) به

زادگاهش بازگشت. با ورود وی، روحی دوباره در کالبد دینی و سیاسی مردم آن شهر دمید و حیاتی (دیگر گرفت.)» (21)

رهبری مبارزه

وی در بدو ورودش به کرمانشاه، مسجد حاج شهبازخان را مرکز حرکت های سیاسی و مبارزه با دستگاه ستم شاهی و اطلاع رسانی دینی و سیاسی به مردم قرار دارد. این مسجد در سال 1235 ق. به وسیله حاج شهبازخان و شش برادرش که بنیانگذار طایفه معروف «حاجی زادگان» کرمانشاه بودند، (احداث شد؛ با شبستانی بزرگ و چندین حجره و مدرس.) (22)

در سال 1323 ش. (1363 ق) مدرس و حجره های این مسجد، بنابر فرمان آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (متوفای 1365 ق) تبدیل به مدرسه علمیه شد که از آن هنگام تا کنون، طلاب بسیاری در (آن به تحصیل علوم دینی پرداخته اند.) (23)

این مسجد و مدرسه به علت گسترش ساخت و ساز شهر کرمانشاه، به مرور زمان در مرکز شهر قرار گرفت. از این رو، موقعیت بسیار مناسبی برای ارتباط با مردم پیدا کرد. حاج آخوند از این موقعیت، استفاده نیکو برد و علاوه بر اقامه نماز جماعت و فعالیت های مذهبی و اداره امور مدرسه علمیه، مبارزات و فعالیت های سیاسی را نیز در این مکان مهم متمرکز کرد.

بینش سیاسی حاج آخوند

بینش و خط مشی حرکت های سیاسی آیه الله حاج آخوند، برگرفته از رفتارها و موضع گیری های اصولی امام خمینی (قدس سره) در عرصه های مختلف سیاسی بود؛ چه اینکه امام راحل در شکل گیری شخصیت علمی و معنوی وی نیز نقش اوّل را در بین استادان بزرگ او ایفا می کرد.

او بر سه اصل «رهبری مرجع آگاه»، «وحدت، خصوصاً در بین خواص و عالمان» و «تدین مردم و

آگاهی آنان از دین و دنیای خود» تأکید فراوان داشت. به همین دلیل پس از ورود به کرمانشاه، در راستای تحقق این سه اصل، اقدامات جدی و چشم گیری انجام داد که در صفحه 21 پرونده وی در :ساواک به این جهات اشاره شده است. مضمون آن چنین است

شیخ مجتبی حاج آخوند که مدت ها در ایام تحصیل در قم زندگی نموده و ایام تعطیل در کرمانشاه « اقامت می کند، اخیراً برای همیشه قم را ترک و قصد دارد در کرمانشاه اقامت کند. وی با بعضی از عالمان شهر ملاقات و اظهار می کند: آقای خمینی به من پیغام داده است تا به شما بگویم: در هفته یک یا دو جلسه تشکیل و در آن جلسه ها، فعالیت های دولت را که مخالف با دین و شئون روحانیت (است، افشاگری کنید.»(24)

امام محوری

حاج آخوند در شناساندن امام خمینی به مردم، به عنوان مرجعی کامل و رهبری آگاه به مسائل زمان، بسیار تلاش کرد. تلاش های او در معرفی شخصیت علمی و سیاسی امام خمینی (قدس سره) تنها به سخنرانی ها و ملاقات هایش با مردم و خواص محدود نمی شد؛ بلکه از خطیبان زبردست و آگاه سراسر ایران نیز به همین منظور دعوت کرد که از جمله اند: آیه الله طالقانی، آیه الله خزعلی، شهید سید علی اندرزگو؛ همان طور که عالمان شهر نیز در این راستا به روشنگری مردم می پرداختند. در پرونده :حاج آخوند در ساواک چنین آمده است

موضوع: تبلیغ به نفع خمینی»

شیخ مجتبی آخوند (روشن) فرزند حسن متولد 1308 شماره شناسنامه 104 کرمانشاه و شیخ عبدالخالق عبداللهی فرزند محمد علی متولد 1305 شماره شناسنامه 14210 و شیخ محمد حسین زرنندی فرزند علی اکبر متولد 1311 زرنده شماره شناسنامه 18 ساوه و حسین معطری فرزند جواد متولد 1306 کرمانشاه شماره شناسنامه 4453 در پاسخ سؤالی که مردم در مورد تعیین جانشینی (آیه الله حکیم می نمایند، اظهار می دارند: «خمینی مرجع تقلید می باشد.»(25)

و نیز آمده است

شیخ مجتبی روشن از روحانیون طرفدار خمینی و دارای پرونده می باشد و اغلب مشاهده شده کلیه «
طلاب مخالف که از شهرستان های دیگر به کرمانشاه وارد می شوند، دور وی جمع و اقدام به صحبت
(های خلاف می نمایند)» (26)

و باز آمده است

شیخ مجتبی روشن فرزند حاج آخوند، پیشنماز مسجد حاج شهبازخان یکی از وعاظ متعصب و «
(ناراحت و طرفدار خمینی بوده و کراراً نیز به ساواک استان هدایت شده است)» (27)

(منشأ عشق حاج آخوند به امام خمینی (قدس سره

ریشه این علاقه به اولین برخورد وی با امام در قم بر می گردد. وی می گوید

در اوایل طلبگی که تازه به لباس روحانیت ملّبس شده بودم، روزی قصد زیارت امام کردم. دیدم «
جلوتر از من، یکی از شخصیت های مهم مملکتی دستگاه حاکم طاغوتی به قصد ملاقات با امام، وارد
بر امام شد. امام با حالت عادی با وی برخورد کرد و جلوی پای او بلند نشد و من در حالی که این
عمل امام را نظاره گر بودم، به محضرشان رفتم، دیدم امام با کمال تواضع جلوی پای بنده بلند شد و
دستی بر سرم کشید و اظهار محبت و شفقت کرد. در آنجا، آن چنان صحبت امام در دلم نشست که
مرا تاابد شیفته خود نمود؛ چه اینکه من را که طلبه ای بیش نبودم، بر بالاترین مقام های دنیوی ترجیح
داد.» (28)

این عشق و علاقه حاج آخوند به امام باعث شده بود که او را سربازی فداکار و تابع محض ایشان قرار
(دهد. او بارها می گفت: «من در تمام ابعاد در امام فانی بودم.») (29)

وی در خاطراتش گفته است

به اتهام طرفداری از «خمینی (قدس سره)» ساواک کرمانشاه مرا دستگیر و مورد بازجویی قرار داد. « رئیس ساواک وقت کرمانشاه به من گفت: بیا، نه کار با خمینی داشته باش و نه با شاه؛ ما هم با تو کاری نداریم. گفتم: برو یک چاقوی تیز بیاور! گفت: برای چه؟ گفتم: برای آنکه عملاً به تو بفهمانم چقدر به خمینی علاقه مندم. گفت: به فرض چاقو را آوردم، چگونه اثبات می کنی؟ گفتم: می خواهم شاه رگم را بزنم تا ببینی در تک تک گلبول هایم عشق به خمینی است و قطره های خون من همه شهادت به عشق زیاد من به خمینی می دهند. از این رو، من نمی توانم از او دست بردارم. رئیس ساواک با (تعجب بسیار به من نظاره می کرد و بعد از مدتی، مکث دستور داد تا مرا آزاد کنند.» (30)

آیه الله حاج آخوند بارها به اتهام طرح مرجعیت و رهبری امام خمینی و انتقاد از برنامه ها و سیاست های حکومت پهلوی، به ساواک احضار شد و چون این احضارها و تذکرات ثمری نمی بخشید و از مواضع خود دست برنمی داشت، طرح محدودیت و تضعیف موقعیت اجتماعی وی در استان (کرمانشاه از طرف ساواک پیشنهاد می شود). (سند شماره 1)

اسارت به جرم آزادگی

آیه الله حاج آخوند با آگاهی و ایمان به هدف مقدس خود، هر روز بیش از پیش با توکل بر خداوند متعال بر فعالیت ها و اقدامات روشنگرانه خود بر ضد نظام ستم شاهی پهلوی افزود، تا جایی که تاب و تحمل ساواک مرکز (تهران) نیز به پایان رسید و به قصد خاموش کردن نوای آگاهی بخش و انقلابی (او، دستور بازرسی منزل و دستگیری وی را به ساواک کرمانشاه ابلاغ کرد). (سند شماره 2)

بالآخره وی در تاریخ 12/8/1352 ش. به دستور ساواک مرکز (تهران) دستگیر و بعد از سه روز بازداشت در ساواک کرمانشاه محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد و در تاریخ 15/8/1352 ش. به کمیته ضد خرابکاری ساواک تهران تحویل و به زندان اوین انتقال داده شد و بارها مورد شکنجه قرار گرفت. همسر وی گفته است: «در یکی از ملاقات ها با همسرم در زندان اوین، متوجه شدم که ناخن های وی را کشیده اند.» (31)

فعالیت های بعد از آزادی

آیه الله حاج آخوند با کوشش عالمان کرمانشاه و قم بعد از شش ماه، از زندان آزاد شد و به کرمانشاه بازگشت. وی بعد از آزادی از زندان، نه تنها از مواضع خود دست برنداشت، بلکه بیش از پیش به فعالیت های سیاسی خود افزود؛ آگاه کردن مردم نسبت به ظلم حاکم طاغوتی و برنامه های ضدّ دینی آن و اعلام مرجعیت امام خمینی و امثال آن، از جمله این فعالیت هاست. از این رو، ساواک برنامه تضعیف وی را به مرحله اجرا گذاشت که گوشه ای از آن در پرونده ایشان در ساواک آمده است.

خدمات فرهنگی و اجتماعی

آیه الله حاج آخوند، علاوه بر تدریس علوم دینی و تربیت طلاب و فضلا، خدمات فرهنگی و اجتماعی فراوانی در سطح استان کرمانشاه، قبل و بعد از انقلاب، انجام داد که هم اکنون نیز آثار و برکات زحمات بی شائبه وی جاری است.

از جمله خدمات فرهنگی و اجتماعی وی، تعمیر و مرمت مسجد و مدرسه حاج شهبازخان در سال 1367 ش. است که به دلیل شدت فرسودگی قابل استفاده نبود و با زحمت های فراوان وی به بهره برداری رسید. این مسجد و مدرسه یکی از مکان های مهم فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در سطح استان به شمار می رود و رونق آن، مرهون مدیریت عالمانه و کوشش های بی دریغ آیه الله حاج آخوند می باشد. هم اکنون در این مدرسه طلاب و فضلاء زیادی مشغول به تحصیل هستند و حتی این میراث فرهنگی، در ایام تعطیلات حوزه پذیرای روحانیانی است که به قصد تبلیغ و ارشاد به آن (2) سامان هجرت می کنند. (3)

مرحوم حاج آخوند در مبارزه با افکار منحرف، نیز بسیار جدّی بود و به صورت منطقی به افشاگری علیه مروجان عقاید باطل و انحرافی می پرداخت. ترویج افکار منحرف چنان وی را نگران می سازد

که نامه ای به امام خمینی (قدس سره) می نویسد و امام در 18 صفر 1393 ق. خطاب به ایشان چنین

می نویسند

بسمه تعالی

(خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج آقا مجتبی حاج آخوند(دامت افاضاته

.مرقوم محترم، که حاوی مطالبی راجع به بعضی دستجات بود، واصل گردید

در این موضوع مراجعه شده است و این نحو اجتماعات و تبلیغات به صورت مذهبی که ممکن است برای سرگرم کردن مسلمین و انحراف آنها در اجتماع بر ضدّ اجانب باشد، همیشه بوده و است و موجب نگرانی است. و ضمناً چون با اسمای فریبده توأم است؛ نمی شود به طور صراحت نفی و اثباتی نمود

از خداوند تعالی بیداری مسلمین و دستجات آنها را از شرّ اجانب خواستار است؛ از جنابعالی امید
.دعای خیردارم

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

حاج آخوند برای کاستن مشکلات مالی مردم، که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، صندوق قرض الحسنه ولی عصر(ع) را تأسیس کرد که آثار مثبت زیادی به همراه داشته است. این صندوق هنوز فعالیت می کند.(33) البته ایشان به طور مستقیم نیز به نیازمندان کمک مالی می کرد؛ چنان که آیه الله نجومی در مورد خدمات حاج آخوند می نویسد: «ایشان تا جایی که از نظر مالی میسر بود، به (فقرا و افراد کم درآمد و نیازمند کمک می کردند و در این مورد مضایقه نداشتند.»(34)

آیه الله حاج آخوند از سوی رهبر کبیر انقلاب، ارگان ها و مردم، مناصب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مختلفی را بر عهده گرفت که از جمله آنهاست: فرماندهی کمیته انقلاب اسلامی شهر کرمانشاه از طرف شورای مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، نماینده امام در جهاد سازندگی، نماینده مجلس خبرگان رهبری در دو دوره، نماینده امام در دانشگاه علوم پزشکی، مسئول اداره عقیدتی - سیاسی ارتش در غرب کشور، نماینده امام در بنیاد مسکن، نماینده امام در امور حسیه، سرپرستی حوزه علمیه کرمانشاه (به همراه آیه الله محمد حسین زرنیدی). (35) (سند شماره 10)

ویژگی های اخلاقی و معنوی

توجه به عبادات

توجه فراوان به امور عبادی، از ویژگی های آیه الله حاج آخوند بود. بیشتر اوقات زبانش به ذکر خدا مشغول بود. به اقامه نماز شب، مقید بود، حتی در سفرها و در حال کسالت. بعد از نماز صبح نیز بیدار بود و به عبادت می پرداخت. (36)

به مستحبات، مثل نماز جعفر طیار و اعتکاف خصوصاً در ایام اقامتش در قم، بسیار اهمیت می داد. از تلاوت قرآن غافل نبود و بیشتر اوقات به ویژه در سحرها، آن را تلاوت می کرد. (37)

:آیه الله نجومی در این مورد می گوید

در انجام عبادات خصوصاً نماز اوّل وقت، شدیداً مراعات می کرد و انجام آنها را بر امور دنیایی «مقدم می داشت. در انجام مستحبات و مداومت بر آنها، جدّیت خاصی داشت. وی هفت سفر به مکه (مکرمه به قصد زیارت و اظهار بندگی در برابر خداوند متعال مشرف شد.» (38)

خوش خلقی با خانواده

او همان گونه که با مردم با اخلاق نیکو رفتار می کرد، با افراد خانواده اش نیز چنین بود و همان احترام را برای اهل خانه اش قائل بود. به همین علت فرزندان وی نیز به سلک روحانیت درآمدند و به تحصیل علوم دینی پرداختند.

آیه الله نجومی در این باره می نویسد

در زندگی شخصی حتی الامکان سعی می کرد کارهای شخصی خود را انجام دهد و افراد خانواده « را به زحمت نیندازد و اگر کاری را به آنها محوّل می کرد، هیچ وقت حالت آمرانه نداشت. همیشه به این امر « که مرد در زندگی باید یاور و همراه همسرش باشد»، عمل می کرد و در مواقع لزوم در کارهای خانه به همسرش کمک می کرد. در بچه داری هیچ ابایی نداشت. یک روز در خیابان فرزندان را بغل گرفته بود که یکی از آشنایان به وی گفت: چرا شما بچه را بغل کرده اید؟ مگر روحانی بچه بغل می کند؟ وی در جواب گفت: یک روحانی بیش از هر کس باید در امور خانواده، (به افراد خانواده یاری کند.)» (39)

رعایت آداب اسلامی

تنها معیار آیه الله حاج آخوند در برخورد با مردم، رضایت خداوند بود. از این رو، در معاشرت با مردم صداقت در گفتار و رفتار، وفای به عهد، تواضع، یکرنگی قبل و بعد از ریاست و تشویق به نیکی ها را رعایت می کرد. وی با اینکه در برابر کثی ها و نادری ها می ایستاد، ولی اخلاق و رفتار اجتماعی اش چنان جذاب بود که بسیاری از افراد به او ارادت و عقیده خاصی داشتند. و با این که از محبوبیت گریزان بود، ولی طبیعت رفتارش مردم را مجذوب خود ساخته بود. استقبال بی سابقه و اعجاب انگیز مردم کرمانشاه از وی بعد از بازگشت از زیارت خانه خدا در سال 1377 ش.، که ساعت ها پشت درِ فرودگاه کرمانشاه و در منزل وی منتظر ورودش بودند، نشان دهنده چهره مردمی این عالم جلیل القدر (است.) (40)

(عشق به معصومین)ع

به اهل بیت علاقه فراوانی داشت. اهتمام ویژه ای به برگزاری مراسم عزاداری و مدّاحی در مساجد و منازل به مناسبت های مختلف داشت و بارها به قصد تجدید عهد و بیعت با معصومین (ع) به کربلا و نجف و... مشرف شد و ماه ها در جوار آن حضرات سکنا گزید. به مدّاحان و روضه خوانان خاندان (عصمت و طهارت احترام خاصی قائل بود). (41)

یکی از مدّاحان، که از سادات عالم و ساکن قم است، می گوید: به مناسبتی نزد آیة الله حاج آخوند جریانی از جبهه دارخوین را نقل کردم و گفتم: در جبهه دارخوین، دیدم جوان 14 ساله ای روی خاکریز خطّ مقدّم جبهه رفت و انگشتش را به سوی کربلا گرفت و به امام حسین (ع) سلام داد که ناگاه تیری به وی اصابت کرد و پای خاکریز افتاد. او را بغل کردم و گفتم: چرا این کار را کردی؟ گفت: شرط مادرم را به جا آوردم؛ چرا که او به من گفته بود: به شرطی راضی می شوم به جبهه بروی که هر وقت بوی کربلا را استشمام کردی، به نیابت از من و پدرت به جدّت امام حسین (ع) سلام دهی.

به من گفت: باید به نیت پدرم هم سلام دهم. با اصرار روی خاکریز رفت و سلام دیگری داد که ناگاه گلوله موشکی به وی اصابت کرد و بدنش کاملاً از بین رفت و من با حالت تأثر به سراغ ساکش رفتم. وصیت نامه ای در آن پیدا کردم که در آن، خداوند را به اسما و صفات زیادی قسم داده بود و از او خواسته بود که در جبهه بدنش از بین برود، تا همانند مادرش حضرت زهرا (س) بی قبر باشد.

وقتی این واقعه را برای آیة الله حاج آخوند نقل کردم، گریه کرد و از من خواست تا چندین بار آن را تکرار کنم و از او هم چنان گریه می کرد؛ چرا که او به شنیدن نام حضرت زهرا، امام حسین و (معصومین دیگر) (ع) بسیار علاقه مند بود. (42)

حق گوئی

وی در بیان حق و دفاع از آن، بسیار شجاع بود. حق را بیان می کرد، چه به نفع او باشد و چه به ضرر او؛ توجّهی به شخصیت یا تعداد طرفداران آن نداشت و در این امر از سرزنش ملامتگران هراسی به خود راه نمی داد. این خصلت او ناشی از غیرت دینی او بود که در طول زندگی سیاسی و اجتماعی (اش کاملاً نمود داشت). (43)

دنیا گریزی

وی از هر آنچه که او را به دنیا نزدیک و از خدا دور می کرد، پرهیز داشت. دارای وارستگی و مناعت ذاتی خاصی نسبت به دنیا بود. مال و مقام وسیله خدمت به بندگان خدا می دانست. با این که دارای مناصب مختلف اجتماعی بود، ولی به هیچ کدام دل نسپرد و هر وقت احساس می کرد که آن مناصب او را به طرف دنیا سوق می دهند و او را از هدف اصلی اش که همان بندگی خداوند بود، بازمی دارند، از آن مناصب دوری می کرد.

قناعت، ساده زیستی، تشریفات گریزی و بی اعتنایی به وجهه اجتماعی، از ویژگی های بارز وی بود.

غیرت دینی

اهمیت به امر به معروف و نهی از منکر، حساسیت در برابر انحراف به نام دین، دوری از مصلحت اندیشی های نابه جا، دوری از تسامح در اجرای حدود الهی، ستیز با تفریط و افراط در آموزش (معارف دین و اجرای برنامه های دینی، از دیگر ویژگی های بارز حاج آخوند بود). (44)

وفات و مدفن

آیة الله حاج آخوند بعد از سال ها مجاهدت و تلاش در راه ترویج دین و تحقق آرمان های انقلاب اسلامی، بالاخره در شامگاه روز یکشنبه 15 مهر 1380 (19 رجب 1422)، در سن 72 سالگی

شمع وجودش خاموش شد و استان کرمانشاه در سوگ فراق و در غم و اندوه جانکاهی فرو رفت. با درگذشت او، در کرمانشاه دو روز عزای عمومی اعلام شد. مردم ناباورانه، دسته دسته برای عرض تسلیت به منزلش روی آوردند و با پیکر پاک آن مجاهد بزرگ وداع کردند.

پیکر وی سه شنبه 17 مهر ماه، بر روی دوش مردم عالم دوست کرمانشاه به صورت بی سابقه ای تشییع و به شهر قم منتقل شد. پیکر وی در قم نیز با حضور بسیاری از علما و برخی مسئولین کشوری و لشکری از مسجد امام حسن عسکری (ع) به سوی حرم مطهر تشییع شد. حضرت آیه الله العظمی بهجت بر وی نماز خواند و سپس به امر مقام معظم رهبری، در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. (45)

پی نوشت ها

جریان ملقب شدن این خاندان به «حاج آخوند» بدین صورت بوده است که جد ایشان، آیه الله * ملاحسین اصفهانی، به حج مشرف می شود در بازگشت با استقبال بسیار پرشوری از طرف اهالی شهر کرمانشاه مواجه می گردد و مردم آن سامان در هنگام استقبال به یکدیگر می گفته اند: «حاجی آخوند آمد»، «حاجی آخوند آمد» از آن به بعد، وی کم کم به «حاج آخوند» معروف می شود این لقب در فرزندان و نوادگان وی نیز به یادگار ماند و شناسنامه خود را با این شهرت گرفتند؛ گرچه بعضی از آنها بعدها فامیلی خود را به «روشن» و غیر آن، تغییر دادند (مکاتبه با حجة الاسلام محمد . (مهدی حاج آخوند، ص 1، مورّخه 11/11/1380

تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار، هرمز بیگلری، انتشارات طاق بستان، کرمانشاه، ج 2، ص 143، 1 - 147 و 148 .

. همان، ص 4 - 2

. همان، ص 9 - 3

مصاحبه با حجة الاسلام سید مهدی سیدموسوی، مورّخه 10/11/1380 و حجة الاسلام سید - 4 - محمد حسین حائری زاده، مورّخه 13/11/1380

- 5 - 71 . کیمیای هستی، سیدمرتضی نجومی، مؤسسه فرهنگی نشر سها، 1379 ش، ص
- 6 - 3 . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص
- 7 - 247 . کیمیای هستی، ص
- 8 - 3 . مکاتبه با آیه الله سیدمرتضی نجومی، ص
- 9 - 229 و گنجینه . زندگانی سردار کابلی، کیوان سمیعی، چاپخانه گیلان، 1363 ش، ص
- 369 . دانشمندان، ج 6، ص
- 10 - مصاحبه با حجة الاسلام سیدمحمد حسین حائری زاده - 10
- 11 - 71 . کیمیای هستی، ص
- 12 - 3 . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص
- 13 - 71 . کیمیای هستی، ص
- 14 - 3 . مکاتبه با آیه الله نجومی، ص
- 15 - 17/1/1381 مورّخه مصاحبه با حجة الاسلام علی اکبر آل آقا، مورّخه 17/1/1381 - 15
- 16 - 8 و 7 . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص
- 17 - 17 . همان، ص
- 18 - 4 . مکاتبه با آیه الله نجومی، ص
- 19 - 11 . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص
- 20 - 16 . همان، ص
- 21 - 19 . همان، ص
- 22 - 630 . کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، ایرج افشار، ج 1، ص 630، انتشارات زرین، تهران - 22
- 23 - 70 . کیمیای هستی، ص
- 24 - 5207 . (پرونده ش 5207 ساواک، ص 21، (با تغییرات - 24
- 25 - 18 . همان، ص
- 26 - 28 . همان، ص
- 27 - 29 . همان، ص

- . مصاحبه با عبدالحمید ترابی، از ساکنان نجف اشرف، مورّخه، 10/11/1380 - 28
- . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص 8 - 29
- . مصاحبه با عبدالحمید ترابی - 30
- . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص 26 - 31
- . همان، ص 32 - 33
- . همان، ص 32 - 33
- . مکاتبه با آیه الله نجومی، ص 6 - 34
- . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص 34؛ صحیفه امام، ج 1، ص 476 و ج 17، ص 35 - 258
- . مصاحبه با حجة الاسلام سید مهدی سید موسوی - 36
- . مصاحبه با حجة الاسلام صادق طهوری، 12/11/1380 - 37
- . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص 6 و 43 - 38
- . مکاتبه با آیه الله نجومی، ص 5 - 39
- . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص 36 - 40
- . مکاتبه با آیه الله نجومی، ص 6 و مصاحبه با عبدالحمید ترابی - 41
- . مصاحبه با حجة الاسلام سید محمد حسین حائری زاده - 42
- . مصاحبه با حجة الاسلام صادق طهوری - 43
- . مصاحبه با آیه الله شیخ حسن ممدوحی - 44
- . مکاتبه با محمد مهدی حاج آخوند، ص 51 - 45

ایت الله حاج شیخ عبدالخالق عبداللهی

عالم مجاهد و استاد اخلاق حضرت ایت الله حاج شیخ عبدالخالق عبداللهی

در کلام مرحوم ایت الله العظمی بهجت شخصی میگفت به آیه الله بهجت مراجعه کردم و در خواست استخاره نمودم و از آنجا که متوجه شدند من از کرمانشاه هستم از من خواستند که به به آقای حاج شیخ عبدالخالق رجوع نمایم

در کلام حضرت ایت الله العظمی مظاهری در تابستان ۸۸ ایت الله استاد عبداللهی به دیدار آیه الله مظاهری رفتند. در بدور ورود آیه الله مظاهری با دیدن هم بحث و دوست قدیمی خود به استقبال

ایشان آمد و ایشان را به گرمی در آغوش . در آن دیدار آیه الله مظاهری از این یار دیرین خود بسیار تمجید کردند و میفرمودند: در اخلاص شما هیچ حرفی نیست. در کلام حضرت ایت الله شیخ روح الله قرهی یکی از نزدیکان استاد عبداللهی میگفت: روزی به قم مشرف شدم و بنا بر سفارش ایشان پس از نماز ظهر و عصر در مسجد معصومیه قم خدمت آیه الله قرهی رسیده و مطلبی را که ایشان خواسته بودند به اطلاع آیه الله قرهی رساندم. در این هنگام آیه الله قرهی مکثی کردند و با حالتی خاص فرمودند: در کل دورانی که در خدمت امام و سایر مراجع بودم کسی را محتاط تر از آقای حاج شیخ عبدالخالق و فرد دیگری ندیدم

زندگی نامه استاد اخلاق حضرت ایت الله حاج شیخ عبدالخالق عبداللهی کرمانشاهی اصفهانی (دامت برکاته)

آیه الله آقای حاج شیخ عبدالخالق عبداللهی کرمانشاهی اصفهانی در سال 1305 هجری شمسی در یکی از محلات قدیمی (پاقلعه) اصفهان در خانواده ای بسیار مذهبی و متدین به دنیا آمدند. مرحوم پدر ایشان از بازاریان متدین و خوشنام اصفهان بودند. ایشان نیز در اوان جوانی مدتی نزد مرحوم پدرشان کار میکردند. ایشان دروس مقدمات و سطح را در اصفهان نزد اساتید حوزه علمیه چون آیه الله سبزواری و ... فراگرفتند. و در درس خارج فقه و اصول را مرحوم آیه الله حاج آقا رحیم ارباب که علمای بزرگ آن زمان اصفهان بودند شرکت نمود. از اساتید بنام دیگر ایشان در اصفهان مرحوم آیت الله حاج سید حسین خادمی اصفهانی، رئیس حوزه علمیه اصفهان و بزرگ علمای اصفهان بود. پس از مهاجرت به قم به مدت سه سال در درس فقه آیه الله العظمی بروجردی، شش سال در درس فقه و اصول مرحوم حضرت امام خمینی (ره) و مدتی نیز در درس آیه الله العظمی آقای گلپایگانی

شرکت نمود. علاوه بر این از محضر بزرگانی چون آیه الله العظمی بهجت (ره) نیز کسب فیض نمودند. همچنین در دروس علامه طباطبایی حاضر و فلسفه را نزد آن فیلسوف و مفسر بزرگ فراگرفتند. علاقه و شیفتگی ایشان به حضرت امام خمینی (ره) تا به آن حد بود که منزل خود را در کنار مسجد سلماسی (که حضرت امام در آن مسجد اقامه جماعت می نمودند) انتخاب کرده و هنگام نماز همواره نزدیک ترین فرد به امام بودند. از جمله هم درسان و هم بحثی ها ایشان در مدتی که در دروس حضرت امام خمینی شرکت می کردند را می توان از حضرت آیه الله آقای مظاهری و آیه الله مومن قمی و مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن تهرانی نام برد.

مهاجرت به کرمانشاه

إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آیه الله عبداللهی این آیه شریفه را سرلوحه خود قرار داده و در دوران حیات خویش با چشم پوشی از موقعیتهای اجتماعی بسیار دست به مجاهدتی بزرگ و مهاجرتی سرنوشت ساز زدند. ایشان در خلال دوران تحصیل چندین سفر تبلیغی به شهر کرمانشاه داشتند. در آن زمان منطقه کرمانشاه به جهت فرهنگی و دینی دارای مشکلات و کمبودهای فراوانی بود. و از سوی دیگر حوزه علمیه قوی و پررونقی که بتواند جوابگوی این کمبودها باشد نیز در کرمانشاه نبود. و میطلبید عالمانی چند از دیگر مناطق سختی ها را تحمل نموده و به اقامه و گسترش فرهنگ و احکام اسلامی در آن منطقه بپردازند. ایشان پس از تبعید حضرت امام خمینی به نجف و دوری از استاد و مراد خود، با آگاهی از نیاز شدید منطقه کرمانشاه، تکلیف و وظیفه الهی خود را در آن دیدند که به درخواست مردم آن منطقه جواب مثبت داده و با مهاجرت به آن شهر و تحمل رنج غربت و سختی های فراوان در آن شهر اقامت نمایند. هرچند برخی از دوستان و هم درسی های ایشان به جهت شایستگی ها و قابلیت هایی که در ایشان میدیدند او را از ترک حوزه علمیه قم منع می نمودند و میخواستند که برای ادامه

اشتغالات علمی و انجام خدمت در مسئولیت های سنگین تر در حوزه علمیه باقی بمانند، اما از آنجا که ایشان وظیفه شرعی و الهی خود را در پاسخگوئی به نیاز فراوان و درخواست مکرر مردم کرمانشاه دیده بود، با فدا نمودن آینده علمی و موقعیت های بهتر و تحمل سختی های غربت و دوری از وطن و اقوام و دوستان به آن منطقه مهاجرت نمودند. با اقامت ایشان در شهر کرمانشاه فصل جدیدی از فعالیت های تبلیغی، علمی، سیاسی و مبارزاتی ایشان آغاز شد. تبلیغ برای مرجعیت امام خمینی (ره) شناخت و آگاهی آیه الله عبداللّهی از ابعاد علمی عرفانی شخصیت بی نظیر امام خمینی (ره) در دوران تحصیل در حوزه علمیه قم، ایشان را بر آن داشت تا به محض اقامت در منطقه کرمانشاه در صدد شناساندن آن بزرگ مرد فرزانه به مردم آن منطقه باشد. ایشان از اولین مبلغان مرجعت امام خمینی در آن منطقه بوده و حتی هم اکنون نیز بسیاری از متدینین شهر شناخت خود را از امام خمینی به واسطه ایشان می دانند. تهیه و انتقال رساله های توضیح المسائل امام خمینی به کرمانشاه و پخش آن در میان مردم آن منطقه به رغم ممنوعیت آن از سوی رژیم پهلوی و برخوردها و تهدیدهای دستگاه اطلاعات و امنیت رژیم با ایشان هنوز در ذهن و خاطره مردم متدین آن منطقه باقی است. مأمورین دستگاه ساواک شاه چندین مرتبه با مراجعه به منزل ایشان و تفتیش آن در پی یافتن عامل توریع رساله های امام خمینی بودند. در مواردی ایشان مجبور بودند رساله های امام خمینی را برای آن که از چشم مأمورین رژیم مخفی بماند درون زیر زمین و یا پشت بام همسایگان مخفی نمایند.

فعالیت های مبارزاتی و سیاسی آیه الله عبدالخالق عبداللّهی

در دوران انقلاب، آیه الله عبداللّهی همراه با دیگر اعضاء جامعه روحانیت کرمانشاه (آیه الله نجومی،

مرحوم آیه الله حاج آخوند، شهید محراب آیه الله اشرفی اصفهانی (ره)، مرحوم آیه الله حاج شیخ

محمد رضا کاظمی، حجه الاسلام زرندی) به تبیین اندیشه های امام خمینی و انشار بیانیه هایی بر ضد

نظام و دعوت مردم برای شرکت در جلسات و راهپیمایی ها پرداختند. ایشان در تشکیل جلسا علما و

اعضاء جامعه روحانیت چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن نقش بسزایی داشته، عامل اصلی تشکیل جلسات ایشان بودند. و به همین جهت اداره ساواک در موارد متعددی ایشان را دستگیر و زندانی نمودند. عوامل ساواک که نسبت به ایشان حساس بودند در مواردی تحمل سخرانی های ایشان را نداشته و ایشان را از وسط منبر پایین کشانیده و زندانی نمودند. آیه الله عبداللهی در سخرانی مراسمی که از طرف علما به مناسبت چهلمین روز رحلت مرحوم کافی در مسجد آیه الله بروجردی برگزار شده بود و شبستان بزرگ مسجد و خیابان مقابل مسجد مالا مال از جمعیت بود، در تمجید از امام خمینی خطاب به دستگاه پهلوی کرده و میگویند: «... رساله های امام بدون نام چاپ می شود، شما از نام خمینی خوف دارید در حالیکه خدا اسم و محبت ایشان را در دل های جوانان قرار داده است؛ در اصفهان بچه ها وقتی میخواهند از پله بالا روند، یا علی و یا خمینی می گویند....». همین سخرانی موجب تحریک مردم شده، و در پی آن راهپیمائی بر علیه شاه صورت میگیرد و مردم در مقابل استانداری تجمع می کنند. آیه الله شهید اشرفی اصفهانی پس از سخرانی دست ایشان را گرفته و از ایشان تمجید مینمایند و میگویند ما همه جوهر آماده حمایت از شما هستیم. فردای آن روز زمانی که ایشان قصد داشتند از نماز جماعت صبح به منزل عزیمت نمایند مأمورین ساواک ایشان را به بهانه رسانیدن سوار بر خودرو میکنند و تا در منزل میرسانند. عده ای دیگر از مأموران نیز از قبل منزل را تحت نظر گرفته و سپس با تفتیش منزل ایشان را دستگیر و عازم تهران نمودند و در سلول انفرادی زندان نمودند. ایشان از خاطرات این زندان نقل می نمایند که «وضعیت این سلول به گونه ای بود که حتی نفس کشیدن در آنجا برایم مشکل بود و گاه مجبور می شدم برای تنفس بهتر صورتم را به زمین گذاشته و از زیر در نفس بکشم» به دنبال دستگیری ایشان جوانان انقلابی کرمانشاه در چند نقطه شهر دست به تحرکات و ناآرامی هایی زده و عده ای نیز در منزل آیه الله شهید اشرفی اصفهانی تحصن نموده و خواستار آزادی ایشان شدند. ساواک با دیدن این تحرکات و از ترس گسترش آن سریعا ایشان را آزاد نموده و با هواپیما به کرمانشاه منتقل نمودند. از آنجا که ساواک میدانست عامل برخی

از تحرکات بر علیه شاه آیه الله عبداللهی است، زمانی که شاه قصد داشت به کرمانشاه سفر کند از چند روز قبل ایشان را دستگیر و روانه زندان میکند تا مبادا ایشان موجب تحرک مردم شده و حرکت و آشوبی در شهر بر علیه دستگاه شاه رخ دهد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی آیه الله عبداللهی از هیچ خدمتی جهت پیشرفت این نظام الهی فرو گزاری ننمودند. پیگیری مستمر ایشان در وحدت نظر علمای کرمانشاه و تشکیل جلسات جامعه روحانیت کرمانشاه که هر از چندگاه در منزل یکی از علماء برگزار میگردد از جنله موارد بود که بسیار مورد اهتمام و توجه ایشان بود. در اوایل انقلاب ایشان به همراه شهید آیه الله حاج آقا بهاء الدین محمدی عراقی از سوی نمایندگان حضرت امام خمینی به عنوان قاضی دادگاه انقلاب منصوب شدند و مدتی خدمت نمودند. در دوره اول مجلس شورای اسلامی به اصرار آقایان علمای و جوانان حزب اللهی شهر به عنوان کاندیدای مجلس شورای اسلامی معرفی شدند ولیکن قبل از انتخابات از این امر کناره گیری نمودند. در دوران حیات مبارک شهید محراب آیه الله اشرفی اصفهانی ایشان به عنوان یاری دیرین و همراهی صمیمی همواره مورد توجه خاص آن بزرگوار بودند و در غیاب ایشان اقامه نماز جمعه می نمودند. پس از شهادت آیه الله اشرفی اصفهانی، آیه الله موحدی کرمانی که از سوی امام خمینی (ره) به عنوان امام جمعه کرمانشاه منصوب شده بودند به جهت مسئولیت هایی که در تهران داشتند اغلب رزهای جمعه کرمانشاه نبودند و بسیاری از جمعه ها نماز جمعه به امامت آیه الله عبداللهی اقامه میگشت. تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاهها بخش دیگری از فعالیتهای ایشان در مدت اقامت در کرمانشاه اشتغال به فعالیت های علمی و تدریس دروس حوزوی بوده است. تدریس کتاب رسائل و مکاسب، تفسیر قرآن و همچنین تدریس اخلاق در تمامی حوزه های علمیه کرمانشاه و یا تدریس برای جمعی از طلاب در منزل از آن جمله است. بسیاری از شاگردان ایشان هم اینک در حوزه علمیه قم و یا کرمانشاه مشغول تحصیل و یا

دیگر فعالیت های حوزوی هستند. تدریس در تمامی دانشکده های شهر از دیگر فعالیت های مستمر ایشان بوده است. علاقه وافر و توجه خاص ایشان به جوانان، ایشان را وا داشته که با تمامی مسئولیت های دیگر، همواره تدریس اخلاق و معارف اسلامی برای دانشجویان را جزء برنامه خود قرار دهند

برنامه های مستمر تبلیغی سال های متمادی است که مسجد صباغ شهر کرمانشاه شاهد حضور عاشقانه این عالم بزرگ کرمانشاه در این مسجد است. و مومنین و جوانان آن شهر با صدای دلنشین ایشان نماز صبح و مغرب و عشاء را اقامه کرده و از نصایح اخلاقی ایشان بهره می برند. و به همین جهت این مسجد یکی از معدود مساجد گرم و پررونق شهر کرمانشاه است. برنامه تفسیر قرآن و تفسیر ادعیه ائمه علیهم السلام و درس اخلاق از برنامه های دائمی ایشان در این مسجد است. همچنین ایشان قریب به سی سال است که نماز جماعت ظهر و عصر را در مسجد بزرگ پالایشگاه کرمانشاه اقامه و سپس اندکی برای مومنین صحبت می نمایند. از برنامه های مهم دیگر ایشان برنامه رادیویی معارف و احکام اسلامی است که تقریباً از سالهای ابتدایی انقلاب به صورت مستمر و روزانه از شبکه رادیویی استان پخش میگردد. مردم کرمانشاه هر روز قبل از قرآن و اذان ظهر، صدای بیان احکام و معارف ایشان را از منارها و بلندگوهای مساجد شهر شنیده و با آن انس دیرینی دارند. حضور مستمر در کنار رزمندگان اسلام از دیگر برنامه های آیه الله عبداللهی حضور مستمر در میان رزمندگان اسلام در جبهه های جنگ و یا پادگان های ارتش و سپاه بوده است. ایشان چهره ای آشنا برای بسیجان و سپاهیان در پادگان های غرب کشور بودند. در مواردی ایشان ساعت ها در میان رزمندگان بوده و با برای آنان سخنرانی و اقامه جماعت میکردند، با آنان غذا میخوردند و گاه در برنامه های رزمی و ورزشی آنان شرکت می کردند. در زمان جنگ در مواردی حضور ایشان در خط مقدم جبهه موجب صدماتی بر ایشان شده بود و پزشکان ایشان را از ادامه این برنامه ها و حتی از شنیدن هر گونه صدای انفجار منع نموده بودند. توجه خاص به شهیدان آیه الله عبداللهی ارادتی ویژه به شهدای انقلاب و جنگ دارند. ایشان در حقیقت به شهیدان عشق می ورزند و با آنان زندگی می کنند. حضور

مستمر در مراسم تشیع شهدای جنگ و اقامه نماز بر پیکر این عزیزان از برنامه های همیشگی ایشان در دوران جنگ بود. تقید ایشان به حضور در مراسم به گونه ای بود که به بنیاد شهد سفارش نموده بودند که هر گاه شهیدی را برای تشیع آوردند با ایشان تماس گرفته شود و ایشان به محض اطلاع با تعطیلی سایر برنامه های خود بر پیکر آنان حاضر میشدند. نماز بر پیکر عموم شهدای شهر کرمانشاه را ایشان اقامه کردند. و حتی گاه که تعداد شهدا زیاد بود ایشان مقید بودند بر ای هر یک از آنان به صورت جدا جدا اقامه نماز نمایند. بعد از مراسم تشیع نیز مقید بودند در منازل تک تک شهدا حاضر شوند و از خانواده آنان تفقد نمایند. ایشان به جهت علاقه وافری که به شهدا داشتند عکس بسیاری از شهدا را در اتاق مطالعه خود نصب و مقید بودند حتی الامکان وصیتنامه شهدا را مطالعه کنند و مطالب بلند آن را در مجالس و سخنرانی های خود استفاده کنند. توجه ویژه به نیازمندان و ایتمام توجه و اهتمام خاص به نیازمندان و ایتمام از دیگر برنامه های مستمر آیه الله عبداللهی است. هرچند که ایشان در این استان دارای مسئولیت رسمی و دولتی نیستند ولی بنا به وظیفه الهی خود و به عنوان عالم مورد اعتماد و احترام شهر در حد امکان خود به این امر توجه . ایشان به نموده اند.ایشان به همراهی مومنین مسجد صباغ و عده ای از معتمدین اهل بازار صندوق قرض الحسنه و مرکزی جهت رسیدگی به نیازمندان تشکیل داده و به صورت کمک های بلاعوض، وام قرض الحسنه، بستری نمودن بیماران تهی دست، ساخت و ساز و تعمیرات منازل نیازمندان و ... این وظیفه الهی خود را به انجام می

....رسانند

مرحوم آیت الله العظمی حاج سید مرتضی حسینی نجومی کرمانشاهی (ره)

زندگی نامه

حضرت آیت الله العظمی سید مرتضی نجومی، فرزند مرحوم آیت الله آقا سید محمدجواد نجومی که — بنا به شجره نامه ای که به خط ایشان، در پشت نسخه بسیار نفیس نهج البلاغه خطی مرقوم شده — سلسله سیادت ایشان به امام سجاد علیه السلام می رسد. پدر و جد بزرگوارشان، متولد کرمانشاه و از سادات بسیار جلیل القدر و از صالحان زمان بودند که عمر مبارکشان را در همین شهر سپری کردند و برای دوست داران ائمه اطهار (ع) ملجأ و پناهی بی بدیل بودند.

استاد در همین نامه می فرماید: «والدۀ عفیفه و صالحۀ بنده که به راستی نمونه سلامت نفس، دیانت، تقوی، دلسوزی، مهر و محبت بود، فرزند مرحوم مغفور آیت الله شیخ مرتضی علم الهدی آل آقا بودند».

سال و محل تولد استاد — برابر آنچه در این کتاب قید فرموده اند به نقل از والد مکرّمشان که در پشت نسخه خطی کتاب «عین الیقین» فیض مرقوم داشته اند، — در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۶ مصادف با ۵ آذر ۱۳۰۷ در کرمانشاه می باشد، اما در شناسنامه، تاریخ تولدشان ۲۶ بهمن ۱۳۰۷ قید شده است.

سید مرتضی در سال ۱۳۱۴ شمسی در دبستان هدایت کرمانشاه به تحصیل پرداخته و تا کلاس ششم همان جا بود. و بعد از آنکه در سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ دوران اول و دوم دبیرستان را گذراند، تحصیل در مدارس دولتی را رها و به تحصیل دروس حوزوی مشغول شد.

اساتید

در زمانی که هیچ مدرسه علوم دینی و هیچ طلبه‌ای در کرمانشاه نبود، سید مرتضی تحصیل علوم حوزوی را نزد پدرشان و دیگر اساتید شهر آغاز نمودند تا اینکه پس از گذشت چند ماهی از این جریان علمای کرمانشاه به امر حضرت آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حوزه علمیه را در کرمانشاه پایه گذاری نموده و در مسجد حاج شهباز خان، اولین مدرسه علوم دینی تشکیل شد.

ایشان در محضر اساتیدی چون آقا میرزا ابراهیم پور معتمد، حاج سید محمود معصومی لاری و حاج شیخ حسن حاج آخوند به تحصیل علوم دینی پایه پرداختند.

عزیمت به کوی دوست

وی جهت گذراندن دروس حوزوی و بهره جستن از محضر اساتید بزرگ شیعه به عتبات عالیات عراق یعنی «کربلا و نجف» مهاجرت کردند. ایشان در کتاب «کیمیای هستی» تحت عنوان تعبیر رؤیا و عزیمت به کوی دوست، از این اقدام یاد کرده‌اند. آیت الله نجومی در بیان دلیل عزیمت به عراق، برای ادامه تحصیل در کتاب «کیمیای هستی» چنین نوشته‌اند که: «رفت و آمد علاقمندان و همشهریان را به منزل والد و معاشر بیش از اندازه را بلائی برای ادامه تحصیل دیدم، لذا تصمیم به عزیمت به عتبات مقدسه و انتقال به حوزه نجف اشرف گرفتم.» ایشان در سال ۱۳۶۹ هجری قمری به شهر نجف اشرف رفته، به تحصیل دروس حوزوی پرداخت و به درجه اجتهاد نائل آمد.

آیت الله هنرمند

آیت الله سید مرتضی نجومی علاوه بر اینکه عالمی مجاهد بود و دستی گشاده در فقه و اصول و علوم حوزوی داشت و تقریرات درس‌های فقهی استادان برجسته حوزه را به چاپ رسانده بود، از برترین‌های هنر خوش نویسی جهان هم بودند که تابلوهای

زیبای ایشان هوش از سر هر صاحب ذوقی می برد. استاد نزد خطاطان بزرگی همچون هاشم بغدادی و احمد نجفی به تمرین پرداختند تا در انواع خطوط اسلامی استاد مسلم و در خط نسخ و ثلث یگانه و بی همتا گردیده و در تذهیب و تشعیر و جلید و گل و بوته سازی آثار جاودانه ای پدید آورده اند. گفتنی است که حضرت آیت الله سید مرتضی نجومی به عنوان چهره ماندگار ایران در عالم هنر هم مورد تقدیر قرار گرفته اند.

فعالیت های انقلابی

استاد در خصوص فعالیت های دوران انقلاب چنین نگاشته اند: «بعد از بازگشت از نجف اشرف تا شروع انقلاب مقدس اسلامی دیگر مجال نوشتن کتابی یا استنساخی پیدا نشد و به کارهای معمولی و وظایف مقرر روحانیت مشغول شدیم. تا اوان انقلاب اسلامی که جوانان عزیز و سرباخته، دستگاه تکثیر و چاپ اعلامیه ها را مخفیانه به منزل ما آوردند، به طوری که خود آقایان روحانیون محترمی که کاملاً در جریان انقلاب بودند نمی دانستند که اعلامیه ها کجا تکثیر می شود، حتی گاهی جلسه آقایان علما منزل ما بود و در همان وقت جوانان عزیز در زیر زمین مشغول تکثیر و چاپ اعلامیه ها با انشاء این حقیر بودند.»

در کوران درگیری های انقلاب در ۹ مهر ماه ۵۷ داماد ایشان، جناب آقای صادق صابون پز در درگیری با عوامل رژیم شاه به شهادت رسید و به عنوان اولین شهید انقلاب اسلامی در کرمانشاه تقدیم به امام و انقلاب شد.

آثار و تألیفات

در آثار به ثبت رسیده از ایشان می توان به مجموعه عکسی از آثار خطی ایشان، چند رساله ارزشمند با عناوینی چون رساله بعد معنوی هنر خط، رساله التصوير و التمثیل، رساله الغناء، رساله النجاسه - الخمر، تفسیر سورة مومن، کیمیای هستی، فیض قلم، سحر مبین و رساله ای در تعظیم شعائر اسلامی اشاره نمود.

وفات

عالم فرزانه، آیت الله سید مرتضیٰ نجومی، پس از عمری مجاهدت و تلاش برای اعتلای کلمه حق در ایران و جهان، صبح دوشنبه، بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۸۸ مصادف با بیست و هفتم ذی القعدة سال ۱۴۳۰ بر اثر بیماری و کسالت در منزل شخصی خود دار فانی را وداع گفت.

از تهران سرشناسان خوشنویسی پایتخت نشین برای سنجش عیار خطّ ایشان راهی کرمانشاه شده بودند. تبحر ایشان در ثلث نویسی بود، صلابت و راست نویسی یکی از ویژگی های مهم این خط است. با دستگاه های دقیق و اندازه گیری نگاه کرده بودند. صلابت حرف الفی که ایشان تحریر کرده بود بی نظیر بود و اندکی لرزش در این حروف دیده نمی شد. آن موقع سنشان بالای شصت بود ...

اول امسال (۱۳۸۸) تماس گرفته بود با یکی از مسئولان شهرداری کرمانشاه، گفته بود امسال سال آخر من است، امسال من می میرم. اگر وقت داری بیا با هم بگردیم جایی برای قبرم پیدا کنم. باغ فردوس کنار مزار شهدای کرمانشاه را انتخاب کرد. جایی که الآن دفن است دستچین خودش بود از میان قبور ...

گفته بود آن مهر و سجاده ای را که در مسجد سال ها بر آن نماز خواندم با من در قبر بگذارید، آن را از مال شخصی خریداری کرده ام. هنگام مرگ مادرم هم یک مشت خاک از پایین پای او جمع کردم، روی چشم هایم بگذارید و مرا دفن کنید

...

مختصری از زندگی نامه

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی

نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه کرمانشاه

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی در سال 1311 هجری شمسی ❖ در قریه امیر آباد زرنندیه ساوه در خانواده ای کشاورز و مذهبی ، ❖ از پدری بنام حاج علی اکبر ❖ مشهور به حاج مقدس و مادری بنام رقیه خاتون که از متدینین و مورد اعتماد مردم محل بودند چشم به جهان گشود .



تحصیلات :

ایشان از کودکی تا نوجوانی یعنی تا ششم ابتدایی را در محل و در شهر زرنندیه ساوه گذرانده و ❖ نظام قدیم را با معدل بالا کسب نمودند. ❖ به دلیل علاقه وافر پدر به روحانیت و تشویق ایشان به شهر مقدس قم عزیمت نموده و به تحصیل علوم دینی اشتغال یافتند . با توجه به هوش و علاقه سرشار دروس مقدمات و سطح حوزه را گذرانده و به زودی به درس خارج را یافتند .



اساتید :

حضرت آیت الله زرنندی دروس مقدمات و سطح را نزد اساتید بزرگوارى چون حضرات آیات فکور و سلطانی و اشعری تلمذ نمودند ❖ و دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرت آیت الله العظمی امام

خمینی (ره) به مدت هشت سال و حضرت آیت الله العظمی بروجردی ❖ به مدت سه سال ❖ و خارج مکاسب را نزد حضرت آیت الله العظمی اراکی و دروس فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله حاج آقا رضا صدر ❖ و بخشی از اسفار و شفاء را نزد مرحوم علامه حضرت آیت الله العظمی محمد حسین طباطبایی گذراندند .

مبارزات سیاسی :



ایشان از علاقمندان و ارادتمندان حضرت امام خمینی (ره) بودند و در آغاز نهضت حضرت امام ❖ با عشق و علاقه وافر همگام با آن حضرت ، ❖ در نهضت اسلامی شرکت نمود . در سال 1342 ❖ هجری شمسی پس از تبعید حضرت امام خمینی به ترکیه مدت کوتاهی در قم بازداشت گردید ❖ و پس از آزادی از محبس ، با تشویق و اصرار برخی از بزرگان و علماء محلی ، به منظور تبیین و ترویج احکام نورانی اسلام و رسالت انقلابی ، ❖ به شهر کرمانشاه عزیمت و در همانجا ازدواج نمودند . پس از ادامه مبارزه و روشن کردن ماهیت رژیم منحوس پهلوی در سال 1353 ❖ به مدت ❖ سیزده ماه توسط ساواک دستگیر و به جرم طرفداری از امام خمینی (ره) و ترویج راه ایشان در زندانهای رژیم ستمشاهی محبوس بودند .



❖ فعالیت های اجتماعی و مذهبی قبل از انقلاب :

ایشان با مشارکت مرحوم آیت الله حاج مجتبی حاج آخوند ، در سال 1351 مدرسه علمیه حاج شهباز خان کرمانشاه را تأسیس نموده و به تربیت طلاب ❖ علوم دینی پرداختند . در سال 1353 این مدرسه به واسطه حمله ساواک و دستگیری حضرت آیت الله زرنندی و مرحوم آیت الله حاج آخوند ❖ و تعدادی از طلاب تعطیل شد و بعد از آزادی ، معظم له در منزل شخصی خود به تدریس دروس ❖ رسائل و مکاسب و کفایه مشغول شدند .

فعالیت های اجتماعی و مذهبی بعد از انقلاب :

1. ❖ ❖ حضرت آیت الله زرنندی ، بعد از انقلاب در مدرسه حضرت امام صادق (ع) برادران و در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) خواهران به تدریس و تا کنون به فعالیت و نشر احکام الهی و تعلیم و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بوده اند . توسعه و بازسازی مدرسه علمیه ❖ حضرت آیت الله بروجردی نیز ❖ از اقداماتی است که ایشان در سالهای آغازین انقلاب در ❖ شهر کرمانشاه به انجام رساندند.

2. ❖ ❖ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران معظم له بنا به حکم حضرت امام خمینی (ره) به همراه مرحوم آیت الله حاج آخوند ، به عنوان ❖ سرپرست مدارس علمیه کرمانشاه منصوب شدند و با تلاشهای بی وقفه حضرت آیت الله زرنندی ، مدارس علمیه کرمانشاه با جذب طلاب جوان ❖ و پرشور و علاقمند رونق یافت و بحمدالله جمع کثیری از طلاب شایسته ، ماحصل زحمات ایشان می باشد.

3. ❖ ❖ حضرت آیت الله زرنندی در سال 1363 از سوی رهبر کبیر انقلاب به عنوان نماینده حضرت ایشان در استان و امام جمعه کرمانشاه منصوب شدند و از آن سال تا سال ۸۶ وظیفه خطیر اقامه نماز جمعه و رسالت بزرگ هدایت و آگاه کردن مردم استان را ❖ بر عهده داشتند

4. ❖ ❖ معظم له به نمایندگی از مردم استان کرمانشاه در دوره های اول و سوم در ❖ مجلس خبرگان رهبری حضور داشته اند . ❖ تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی استان کرمانشاه و مسئولیت آن تا سال 1363 ، مسئولیت ستاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه رازی ❖ به مدت پنج سال ، عضویت هیئت امناء کمیته های ❖ انقلاب اسلامی کرمانشاه در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ، مسئولیت کمیته ارزاق عمومی ❖ در آغاز انقلاب ، مسئولیت ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر و ریاست شورای فرهنگ عمومی استان کرمانشاه ، مسئولیت ستاد اقامه نماز استان کرمانشاه و

مسئولیت نمایندگی بنیاد بین المللی غدیر استان کرمانشاه از دیگر مسئولیت هایی است که معظم له به عهده داشته اند.

5. ❖❖ با حمایت معظم له دهها مسجد در شهرها و روستاهای مختلف استان ، تأسیس ، تجدید بنا و تعمیر و نیز کالاهایی از قبیل وسایل گرم کننده ، فرش ، آهن ، ❖ سیمان و اقلام مورد نیاز دیگر اهداء و تأمین شده است .

6. ❖❖ کمک به افراد بی بضاعت ، تهیه جهیزیه برای نو عروسان و کمک به محصلین ❖ و دانشجویان بی بضاعت ❖ (فقط در سال 1383 تعداد 301 مدرسه تحت پوشش قرار گرفته و بالغ بر 240 میلیون ریال هزینه شده است) .

7. ❖❖❖❖❖ تجهیز دهها نماز خانه مدارس استان.

8. ❖❖❖❖❖ اداره امور روحانیون اهل سنت استان کرمانشاه.

9. ❖❖ پرداخت شهریه طلاب حوزه های علمیه استان کرمانشاه ، همچنین طلاب کرمانشاهی مقیم قم و کمک ماهانه به طلاب کردستان ❖ که در قم تحصیل ❖ می کنند.

10. ❖ خرید چندین ساختمان مسکونی برای مدرسه های علمیه و وقف نمودن آنها.

11. با حمایت معظم له از سال 1370 تا کنون عده ای از روحانیون فاضل حوزه های علمیه قم جهت اعزام به مناطق اهل حق نشین استان و ارشاد و نشر احکام الهی به استان کرمانشاه دعوت شده اند که این برنامه در سه ماه رمضان ، محرم و صفر و ایام فاطمیه اجرا می شود.

12. حضور در جبهه های جنگ و تقویت روحیه رزمندگان در طول جنگ تحمیلی ❖ و اقامه بی وقفه نماز در هشت سال دفاع مقدس علیه ❖ حملات موشکی و بمباران های دشمن .

13. ❖ تدریس دروس حوزه ، رسائل ، مکاسب و همچنین تدریس دروس خارج فقه به طلاب استان کرمانشاه.

14. ❖ احداث درمانگاه حافظیه.

15. واگذاری زمین مسکونی به نیروهای لشکر 81 زرهی کرمانشاه از محل ❖ موقوفه مرحوم حاج محمد تقی اصفهانی کرمانشاه با نام شهرک پردیس به تعداد ❖ 5000 قطعه و کمک به پیگیری در رفع مشکلات آب و فاضلاب ، برق ، تلفن ، گاز ❖ و اتوبوسرانی شرکت.

16. حضرت آیت الله زرنندی در سال 1363 در ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) ، اجازه ساخت مدرسه جدید علمیه کرمانشاه را اخذ نمود . ❖ با تأخیر زیاد و مشکلات فراوان ❖ از جمله مشکلات قانونی (عمدتاً ناشی از قوانین میراث فرهنگی) ❖ در سال 1377 ساخت بنای مدرسه مذکور ❖ با زیربنای 14000 مترمربع ❖ در بلوار طاق بستان کرمانشاه دارای مسجد ، حسینیه ، کتابخانه عمومی بزرگ ❖ و سالن اجتماعات و 136 حجره و مدرسه آغاز که خوشبختانه در زمان حیات معظم له مورد استفاده قرار گرفته و اکنون بیش از دویست طلبه دران تحصیل مشغول هستند . ❖ به اهتمام ایشان آرامگاه آیت الله العظمی فاضل تونی (ره) ❖ از علما و فقهاء بزرگ شیعه در پل کهنه واقع در شرق شهر کرمانشاه کشف ❖ و به طور باشکوهی ساخته و آماده گردیده ❖ همچنین به کمک ایشان در سال 1382 عملیات بازسازی ساختمان مقبره متبرکه حضرت سید رسول حسینی هاشمی (ره) ❖ از علما، عرفا ❖ و بزرگان اهل سنت واقع در روستای دولت آباد از توابع شهرستان روانسر آغاز و رو به اتمام است و زیارتگاه بسیاری از مردم مخلص و پاک منطقه غرب کشور می باشد .

معظم له دارای چهار فرزند پسر و سه دختر می باشد . فرزند ذکور ارشد ایشان حجه الاسلام هادی زرنندی از طلاب علوم دینی هستند و در سمت مسئولیت دفتر والد بزرگوارشان را بر عهده دارند از سه فرزند ذکور دیگر یکی به نام محمد علی ، مهندس کشاورزی ، روح الله مهندس کشاورزی و مرتضی به شغل آزاد اشتغال دارند .

آیت الله حاج شیخ حسن علامی

شیخ حسن یکی از علمای بنام کرمانشاه و مردی محقق، مدقق، فاضل، جامع معقول و خوش ادراک بود. مقدمات و مقداری از فقه و اصول را در کرمانشاه فرا گرفت، سپس به عتبات هجرت و در نجف از شاگردان آقا ضیاءالدین عراقی شد. از شاگردان او آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی بوده است. ایشان در نامه‌ای به یکی از بزرگان نجف چنین می‌نویسد:

من (مرعشی نجفی) در کرمانشاه به شخصیتی برخورددم که به جرأت می‌گویم که در هیچ کدام از مراکز و حوزه‌های دینی تا این تاریخ چنین بزرگمرد محقق و نابغه‌ای عجیب در فکر و تحقیق ندیده‌ام.

او در سال 1349 ش. در هشتاد و پنج سالگی درگذشت [378] و در کرمانشاه در مسجد ترک‌ها (المهدی فعلی) به خاک سپرده شد. از وی آثاری به جا مانده از قبیل: القضاء، الاجازه، رسائل فی الخيارات. [379]

علامه حیدرقلی سردار کابلی

حیدرقلی کودک چهار ساله بود که استعمار پیر انگلیس سایه سیاه خود را بر اکثر کشورهای شرقی و غربی گسترده بود. در همین امر دولتمردان انگلیس یکی از مهره‌های خطرناک و وابسته به استعمار جهانی را در افغانستان به قدرت رساندند. با روی کار آمدن «امیر عبدالرحمن خان» شاه جنایت پیشه و مزدور دست به طرحی استعماری زد که عبارت بود از مخالفت و نابودی مذهب جعفری از هیچ تلاشی دریغ نورزید؛ از کشتار دسته جمعی شیعیان گرفته تا تبعید و به سیاهچال انداختن جمعی از رجال شیعی. نور محمدخان که از سرداران عالی رتبه ارتش محسوب میشد همراه با خانواده‌اش به یکی از ایالات مستعمره بریتانیا (هند شهر تاریخی لاهور) تبعید شد. خانواده سردار مدت هفت سال (1297 - 1304 ق) در لاهور مهاجر بودند. در این ایام حیدرقلی فرزند ارشد سردار راهی مکتب خانه و مدارس دولتی گردید. وی در مدت هفت سال تمام پایه‌های علوم جدید را در لاهور فرا

گرفت و در مکتب خانه، علوم دینی و قرآن را آموخت. در حالی که هنوز دوازده بهار از سن حیدرقلی سپری نشده بود از جمله دانشمندان جوان و ریاضیدانان هوشمند لاهور به حساب می آمد

او در عنفوان جوانی در بیشتر علوم و فنون روز صاحب نظر و رأی بود و در میان دانش آموزان شهر لاهور رتبه اول را از آن خود نموده بود، به طوری که معلمان و اساتید کلاس حیدرقلی از فضل آن دانشآموز مهاجر بهره میبردند و نسبت به وی احترام خاصی به جا میآوردند. چندی نگذشت که آوازه علمی حیدرقلی شهره شهر گشت. دولت مستعمره هند هر چند گاهی اسباب اذیت و آزار خانواده سردار را فراهم میساخت و با بهانه گیریهای واهی روزگار را بر آنان تنگ میساخت و توسط عوامل دولت دست نشانده کابل چنگ و دندانهای علیه سردار مهاجر نشان داده میشد.

نور محمدخان مجبور شد شهر لاهور را به قصد عراق، «دیار ابرار و احرار» روزگار ترک نماید. بر این اساس (سال 1304 ق) از مسیر اقیانوس هند دل به دریا زده، وارد بندر ساحلی بصره گردید. او و خانواده وی که سالها در فراق چنین لحظهای دقیقه شماری میکردند هم اکنون از تمنای دیدار و عطر گلگون گلهای محمدی اشک شوق روان میسازند.

سردار نور محمدخان توانست برای همیشه خود و فرزندان دلبندش را از توفان حوادث نجات بخشد، بر ساحل بیکران کشتی نوح اهل بیت خود را بیمه نماید

حیدرقلی هم اکنون مهمان خورشید و در محضر امامان معصوم - علیهم السلام - در محضر خورشید قرار گرفته است. او آمده است تا از سرچشمه زلال «قرآن» و کوثر کلام «اهل بیت - علیهم السلام» جرعههای بنوشد.

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمدهایم از بد حادثه اینجا به پناه آمدهایم رهرو منزل عشقیم حیدرقلی پس از زیارت مزار پیشوایان اسلام - ز سر حد عدم تا به اقلیم وجود این همه راه آمده ایم و آشنایی با اختران حوزه نجف اشرف نزد اساتید زبده و وارسته نجف چون شیخ علی اصغر تبریزی، تحصیل علوم حوزوی را آغاز کرد. وی پس از شش سال تلاش بیوقفه توانست بر قله رفیع اجتهاد و

استنباط علوم اسلامی قرار گیرد. وی در میان طلاب معاصر خود در فضل و دانش نمونه بود و همه او را به حکیم، دانشمند و مجتهد بزرگ میشناختند

حکیم وارسته علامه سردار کابلی پس از کسب مدارج علمی و رسیدن به درجه :مشایخ اجازه :اجتهاد و فتوا موفق شد از رجال نامی و استوانههای بزرگ حوزه همچون

1. (آیه الله سید حسن صدر (ره).

2. (آیه الله میرزا محمدعلی دشتی (ره).

3. (آیه الله حاج سید عباس لاری (ره).

4. (آیه الله حاج شیخ عباس قمی (ره).

5. (آیه الله سید یحیی خراسانی (ره).

6. (آیه الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره).

. مفتخر به دریافت «اجازه» و نقل روایات گردد

حکیم گمنام علامه سردار کابلی در اوج شکوفایی علمی و در بحبوحه جوانی و :هجرت از حوزه رسیدن به قله بلند اجتهاد آهنگ هجرت از حوزه را به صدا درآورد و در تاریخ 1310 ق همراه خانواده به قصد تبلیغ اسلام و انجام رسالت برای تنویر و ارشاد جامعه اسلامی، با حوزه وداع گفت. با اینکه همه نوع امکانات برای او فراهم بود و هیچ گونه مشکل سیاسی و مالی او را تهدید نمیکرد، با کولهباری از علم و حکمت، حوزه را رها نموده، وارد سرزمین باختران گردید. آن روز شهر باختران از محرومترین مناطق غرب ایران به حساب میآمد. با رسیدن کاروان زائر کربلا شهر غرق در شادی و شمع گردید. مردم آن دیار به گرمی از سردار کابلی استقبال نمودند و او را همچون نگینی در بر جان گرفتند از آن روز به بعد شهر باختران منزلگاه ستارگان علم و حکمت گردید و هر چند مدت کاروانی از عالمان و شاگردان مکتب اهل بیت - علیهم السلام - و پیروان سایر مذاهب برای دیدار و کسب فیض از خرمن علوم سردار وارد این دیار میشدند و در طول سال مهمانخانه سردار آکنده از

دانشمندان و دانش پژوهان علوم اسلامی و زائران حرم امام حسین - علیه السلام - بود که برخی از آنان آشنا به «علوم غریبه» بودند. از آن میان شیخ عبدالرحمن مکی بود که از وی فن کیمیاگری را آموخت.

هجرت ناباورانه علامه بزرگوار، فقیه روزگار، حوزه‌های علمیه را تکان داد. البته باید یادآور شد که سردار تنها مهاجر حوزه نبود بلکه بزرگان دیگری هم قبل از ایشان پس از اتمام یک دوره از دروس حوزه و رسیدن به اعلا مراتب معرفت و صعود بر سکوی وعظ و خطابه حوزه را ترک گفته، به شهرهایی چون بلخ و بخارا و... هجرت نموده‌اند و امروز حضور چشمگیر پیروان تشیع در هند و چین و کشمیر مرهون زحمات همین ستارگان تابناک حوزه‌هاست. چه بسزا سیره سلف احیا گردد و تنی چند از امروزیان نیز همانند سردار کابلی و فاضل هندی حوزه را برای سامان بخشیدن اوضاع دینی دیار خود ترک گویند و بدان سرزمینها رو کنند

تمرکز فکری سردار بسیار عالی بود. با اینکه در میان مردم و همواره مأنوس با آنان : میراث فرهنگی بود از فعالیتهای علمی و کنکاش در علوم تجربی و فکری غافل نشد. چه بسا در تحقیقات و تألیفات خود بیشتر از حوزه درس و بحث موفق بوده و شبانه روز بهترین لحظات زندگی خود را صرف مطالعه و تحقیق و فراگیری علوم و فنون میکرد در پی همین پشتکاری که داشت فن «کیمیا» گری را . در باختران از دانشمندانی که با وی دیدار داشتند آموخت و به نتایجی بسیار ارزنده دست یافت

وی تا آخرین دقایق عمرش از کتاب، قلم و دوات فاصله نگرفت. همیشه مینوشت و تفکر میکرد. هم اکنون آثار ارزشمندی در زمینههای مختلف از وی به یادگار مانده است که بیشتر آنها به صورت پراکنده در کتابخانههای عمومی و شخصی در ایران وجود دارد از مجموع 32 جلد تألیفات وی به :تعدادی اشاره میگردد

کتاب اربعین (این کتاب حاوی چهل حدیث در فضایل امام علی - علیه السلام - از طرق اهل سنت 1. میباشد)

2. نظم باب حادی عشر.
3. شرح دعای صباح.
4. درّ النّیر.
5. *(رساله در معرفت (جوّ).
6. (غایه التّعدیل (قبله شناسی).
7. ...ترجمه انجیل برنابا و.

کابل حدود دویست سال پیش از این پایتخت بوده این شهر قرار گرفته است چندان : پی نوشتها: 1 مرکز شیعیان در غرب کابل واقع شده است. در ارتفاع 1800 متری از سطح دریا و در بستر جنوبی آبراه کابل پنج شیر قرار دارد. در میان کوههای پست و تپه مانند که حصار کابل را به وجود میآورند نگارنده بدان اشعار دست نیافته است . [2]

معیار سنجش مروارید است. این اثر یکی از آثار فنی علامه است که مربوط به عیار طلا و احجار . *
کریمه میشود

میتوانید به کتاب «قبله شناسی» سردار کابلی یا زندگانی سردار کابلی، تألیف مرحوم کیوان . [3]
سمیعی مراجعه کنید

از معتبرترین لغت نامه‌های موجود به حساب می‌آید. سردار بیشتر اوقاتش را صرف مطالعه یا . [4]
نوشتن کتاب میکرد، از کتبی که همیشه در کنار خود می‌گذاشت و دم به دم به آنها مراجعه میکرد
«تاج العروس» [4] و «دائرة المعارف بریتانیا»؟ بود و کمتر شب و روزی بر او می‌گذشت که ریاضیات
مطالعه نکند. علامه مجلسی (ره) محدث بزرگ شیعه معتقد بود که محراب قبله مسجد مدینه از سوی
سلاطین جور از جایگاه اصلی خود منحرف گردیده است. با اینکه سردار کابلی اکثر محرابهای

موجود زمان خود را منحرف، از قبله میدانست و خود با اندک انحراف از محراب مساجد نماز می‌گزارد، با نبوغی که در هیئت و حکمت داشت توانست با فرمولهای پیچیده ریاضی مسأله «انحراف قبله مسجد مدینه» را رد و حکیمانه مدعای خویش را اثبات نماید. وی معتقد است که محراب مسجد مدینه صد در صد درست و طبق موازین ریاضی و هیئت است و حتی انحراف نداشتن قبله مسجد پیامبر - صلی الله علیه و آله - را از معجزات بارز مکتب اسلام دانسته و دلایلی در این باره اقامه نموده است. [3] سردار همراه با فراگیری علوم معقول (فلسفه، حکمت و هیئت) و منقول (فقه و اصول) به زبانهای زنده جهان (عربی، انگلیسی، عبری و اردو) آشنایی کامل پیدا کرد و با لهجه مخصوص هر زبان قادر به تکلم و محاوره بود و برخی از تألیفات خود را به نگارش درآورد و بعضی از کتب خارجی را ترجمه نمود. وی تحقیقاتی درباره زبان عبری به عمل آورد و برخی از نظرات دانشمند مسیحی عراق (اب انستاس ...) درباره «فقه اللغة» را رد کرد. و نیز کتاب «انجیل برنابا» را از عربی به [فارسی درآورده، و با نسخه انگلیسی آن تطبیق داد. وی سرودهایی نیز به زبان اردو و انگلیسی دارد

آيت الله العظمى عبد الجليل جليلي

مرحوم آیت الله العظمی عبدالجلیل جلیلی (ره) متولد سال 1302 شمسی در کرمانشاه، خلف شایسته زعیم مجاهد مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ هادی جلیلی (ره) شیخ العلمای کرمانشاه و از اعظم علمای غرب کشور بود که علوم جدید را تا درجه لیسانس از دانشکده حقوق تهران به پایان رساند و علوم حوزوی را در بلده طیبه قم شروع کرد و ادبیات و سطوح عالیه را از محضر اساتید بزرگ حوزه .همچون آیت الله میرزا محمد مجاهدی تبریزی و آیت الله شهاب الدین مرعشی به پایان رساند

وی در درس خارج فقه آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی و خارج اصول آیت الله حاج آقا روح الله خمینی (ره) حدود 10 سال حاضر گشت و سپس به نجف عزیمت کرد و حدود 6 سال در بحث فقه آیت الله شیخ حسین حلی و بحث اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی و آیت الله میرزا حسن .موسوی بجنوردی حاضر گشت و از طرف علما و اساتید بزرگ نجف به اخذ جواز اجتهاد نائل آمد

آن عالم بزرگ از یاران انقلاب اسلامی بود و در جریان مبارزات پیش از انقلاب در کرمانشاه به . عنوان رهبر اصلی نهضت اسلامی علیه رژیم ستم شاهی به شمار می رفت

سرانجام روح بلند آن عبد صالح خدا در روز هفتم آبان سال جاری در سن 90 سالگی به دیدار حق شتافت

گذری بر احوالات فقیه مبارز مرحوم آیت الله العظمی محمد رضا کاظمی کرمانشاهی (ره) نماینده
فقید استان کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری



فقیه مبارز و عالم مجاهد مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا کاظمی کرمانشاهی (ره) در سال 1326 ق برابر با 1285 ش در منطقه دلفان استان لرستان دیده به جهان مادی گشود. در کودکی پدرش را از دست داد و تحت حضانت اخوی بزرگ ترش عالم ربانی مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ فرج الله کاظمی کرمانشاهی قرار گرفت. در اوان جوانی پس از پشت سر نهادن مقدمات علوم حوزوی، در سال 1337 ق برابر با 1297 ش راهی عتبات عالیات شد. ایشان در شهرهای کربلا و نجف به فراگیری دانش های دینی پرداخت و

پس از چند سال به محضر بزرگان و فقیهان آن مکان های مقدس شتافت و از آنها بهره های فراوان برد. در سال 1350 ق برابر با 1310 ش به ایران بازگشت و پس از توقیفی چهار ساله در زادگاه خویش در بین عشایر لرستان به تبلیغ و ارشاد مردم پرداخت و در سال 1354 ق برابر با 1315 ش به شهر مقدس قم هجرت نمود و به مدت شش سال از دریای ژرف استادان بنام آن دیار مقدس گهرهای علم و کمال صید نمود.

:استادان

:برخی از استادان جناب شیخ محمد رضا کاظمی عبارتند از

آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (ره) متوفای 1365 ق. 1

آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره) متوفای 1355 ق. 2

(آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری (ره) 3.

آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر (ره) متوفای 1373 ق. 4.

آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (ره) متوفای 1414 ق. 5.

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) متوفای 1411 ق. 6.

(آیت الله شیخ غلامحسین دارابی شیرازی (ره) 7.

(آیت الله شیخ محمد رشتی (ره) 8.

هجرت به کرمانشاه

آیت الله کاظمی در سال 1360 ق برابر با 1320 ش برای انجام رسالت الهی خویش به کرمانشاه هجرت نمود و در آن دیار رحل اقامت گزید. آن بزرگوار در کرمانشاه و شهرهای اطراف آن به ارشاد، اقامه جماعت، تدریس علوم دینی و تربیت طلاب و فضلاء و خدمات فرهنگی مانند بنای مساجد و موسسات خیریه پرداخت و بواسطه همین خدمات ارزشمند در میان اقشار مختلف مردم کرمانشاه دارای محبوبیتی بسیار بودند. در حقیقت آیت الله محمد رضا کاظمی در ایجاد و رشد فرهنگ مذهبی استان های کرمانشاه و لرستان نقشی اساسی ایفا نمود

مرحوم آیت الله العظمی کاظمی و انقلاب اسلامی

فقید سعید در پیشبرد نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در غرب کشور سهم بزرگی داشت و با تشویق مردم به راهپیمایی و همبستگی مردم با رهبر کبیر انقلاب فعالیت های خود را آغاز کرد. حضور مستمر در تظاهرات ها علیه رژیم فاسد پهلوی و انتشار اعلامیه های مختلف در تایید امام راحل و نهضت اسلامی و افشا نمودن باطن کثیف شاه و عمال او و حضور پررنگ ایشان در کنار سایر علماء، گوشه هایی از فعالیت های انقلابی آن مرد آسمانی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم

افزون بر روشنگری، هدایت و ارشاد و همراهی با مردم همواره در همه صحنه های انقلاب از جمله هشت سال دفاع مقدس حضوری بسیار تاثیر گذار داشتند

نماینده گی مردم کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا کاظمی کرمانشاهی که در میان مردم کرمانشاه از محبوبیت و مقبولیت بسیار بالایی برخوردار بودند در دوره سوم مجلس خبرگان رهبری با رای مردم کرمانشاه و از سوی آنها به عنوان نماینده مجلس خبرگان برگزیده شدند. ایشان در این سنگر مهم هم همانند گذشته به تکلیف الهی خویش عمل نمودند و مایه وحدت میان مردم کرمانشاه بودند

وفات و مدفن آن عالم الهی

عالم وارسته جناب آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا کاظمی کرمانشاهی در سال 1418 ق برابر با 1375 ش در کرمانشاه به جوار رحمت ایزدی پیوست و در میان حزن و اندوه فراوان مردم عالم دوست و مومن استان با تشییع باشکوهی، در حسینیه مسجد امام حسن مجتبی (ع) واقع در خیابان آیت الله العظمی جلیلی (ره) کرمانشاه به خاک سپرده شد. عاش سعیدا و مات

ایه الله محمد میبدی

حاج آقا محمد میبدی با سالها تدریس و تحقیق در کرمانشاه و حوزه علمیه قم طلاب معظمی را تربیت نمود که بسیاری از آنان از اعلام حوزه و دانشگاه می باشند. استاد دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاههای تهران در خاطرات خود مینویسد: برحسب توصیه مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالحسن اصفهانی و بنابر درخواست علمای روحانی کرمانشاه قرار شد در شهر کرمانشاهان حوزه علمیه روحانی دایر واز طلاب اصفهان و قم بدان سامان گسیل دارند و به همین جهت اینجانب را با چند تن دیگر از طلاب - برحسب معرفی مرحوم آیت الله خادمی - بدان سامان اعزام داشتند که بعد از چندی، چند تن از طلاب قم را از جمله آقای اشرفی (چهارمین شهید محراب) بدان سامان اعزام کردند. در شهر کرمانشاه در مدرسه حاج شهبازخان به تعلیم طلاب مبتدی پرداختیم و خود نیز ضمن

تدریس از محضر چند تن از علمای آن سامان مانند مرحوم حاج شیخ حسن علامی و حاج شیخ هادی

جلیلی و آقای "مبیدی" که از علمای باهر آن سامان بودند، بهره ها بردیم

مرحوم آیت الله مبیدی از علمائی بود که از ابتدای نهضت روحانیت با مراجع قم خصوصاً رهبر معظم

انقلاب امام خمینی (ره) همفکری داشت. ایشان در اولین حرکت خود 1341/8/22 در یک نامه

اعتراض آمیز به شاه مبنی بر تبدیل تحلیف به قرآن کریم به کتاب آسمانی که نقض قوانین مشروطیت

بود همگامی خود را با مراجع قم اعلام نمود و در هنگامی که حضرت امام خمینی از زندان ساواک

آزاد شدند در قم به ملاقات اولین شخصی که رفتند، آیت الله مبیدی بود

ایشان در سال 1340، بنابر اعتراض به بعضی مسائل در کرمانشاه، به قم هجرت نمودند

در قم، معظم له در ردیف آیات معظم آن روزگار بود و با مراجع عظام حوزه صداقت تام و همکاری

داشتند و در مدرسه حجتیه و مساجد سلماسی و محمدیه، تدریس اخلاق و خارج فقه و اصول می

نمودند.

بعضی از شاگردان برجسته معظم له در طول تدریس عبارتند از:

1 - استاد کیوان سمیعی ، 2- دکتر سید جعفر سجادی ، 3 - شهید محراب آیت الله حاج آقا عطاء الله

اشرفی اصفهانی ، 4 - آیت الله حاج شیخ محمدرضا کاظمی ، 5 - آیت الله حاج آقا مجتبی حاج

آخوند ، 6 - دکتر علی اکبر مهدی پور ، 7- آیت الله حاج سید جواد خرمشاهی ، 8- آیت الله حاج

شیخ حسین اصیلی کاشانی ، 9- آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی ، 10- آیت الله حاج

سید محمد تقی واحدی ، 11- استاد سید احمد فهری زنجانی ، 12- استاد هاشم نوری و غیرهم.

آیت الله میبدی از علمای مورد توجه مراجع طراز اول بودند. مرحوم آیت الله العظمی حاج سید

ابوالحسن اصفهانی بنابر توجه خاصی که به ایشان و آیت الله علامی داشتند اقدام به تأسیس حوزه

علمیه کرمانشاه نمودند. ایشان در نامه‌های خطاب به آیت الله حاج شیخ هادی جلیلی مینویسد: "... بعد

از تشرف آقایان علامی و میبدی که چندی خدمتشان بودم و مذاکره از این موضوع (تشکیل حوزه

علمیه) می شد تأکید عزم حاصل و در نظر بود بوسیله ایشان تصدیق شود..." الخ. مرحوم آیت الله

العظمی بروجردی که توجه خاصی به ایشان داشتند مدرسه علمیه کرمانشاه را بنابر درخواست آیت الله

میبدی احداث نمودند، استاد علی دوانی در کتاب زندگانی آیت الله بروجردی مینویسد: "... تقریباً

دوازده سال پیش یکی از علمای محترم کرمانشاه آقای حاج سید محمد میبدی هنگام تشریف به

خدمت آیت الله فقید (بروجردی) موضوع را مطرح و جدا از آن فقید سعید می خواهند که دستور

دهند مدرسه آبرومندی که درخور شأن محصلین علوم دینی باشد در کرمانشاه تأسیس و حضرت

آیت الله نیز عنایت بیشتری به وضع حوزه آن شهر حساس تاریخی داشته باشند... "الخ.

آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی بعد از غائله کشف حجاب و تبعید ایشان از طرف رضاخان در

کرمانشاه عنایت خاصی نسبت به معظم له داشته اند. حضرت حجه السلام و المسلمین حاج سید ناصر

حسینی میبدی در این مورد نوشته اند: "... از کرمانشاه جمعی از اعلام از آن جمله حضرت آیت الله

العظمی حاج آقا محمد میبدی و حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسن علامی قدس سرهما در

معیت حضرت آقای قمی به عنوان اعتراض به قضایای ایران به عتبات عالیات هجرت نمودند..." الخ.

این آیت عظمای الهی که به حق اسوه علم و تقوی بود و به شهادت اعلام قم در نهایت سلوک الی

الله به سر می برد و درنهایت زهد و اخلاص انقلاب را در کرمانشاه رهبری نمود، در سنه 1402 ه. ق.

دعوت حق را لبیک نموده و به جوار رحمت ایزدی پیوست و امت کرمانشاه را چهل روز در عزای

خود سوخت. (بنگرید: خبر درگذشت) از معظم له سه فرزند ذکور بجای مانده است: 1 - عالم ربانی

سید العلماء العاملين حجت الاسلام والمسلمین حاج سید علی میدی مقیم تهران ، 2 - آیت الله حاج

سید مجتبی میدی ، 3- ثقه الاسلام والمسلمین حاج سید حسین میدی مقیم کرمانشاه.

از تألیفات آنجناب است: 1- اربعین در مناقب امیرالمؤمنین ، 2- تقریرات اساتید گرامیش ، 3 - حاشیه

بر وسیله النجاه ، 4 - حاشیه بر عروت الوثقی ، 5- نوشته های پراکنده ، 6 - دیوان اشعار به عربی و

فارسی.

از اوست:

بیدارشو از خواب غفلت فکری به حال خویش

بنما که وقت لهو ولعب نیست این زمان

خلقت شدی برای عبادت به کردگار

سعی نما که نیست بجز سعی در میان

از آرزو کسی نرسیده به قرب حق

بر کن تو آرزو، که بود شغل ناکسان

آنی ز عمر غنیمت شمر، که عمر

سرمایه تجارت خیر است در جهان

خسران نموده آنکه کند صرف راس مال

در غیر مصرف و عائد، نبرده زان

دنیاست بهر تو همی متجر عمل

در غیر صالحات، عمل می نشاید آن

این روز و شب برای عبادت بداده اند

تا نام تو شود به دفتر عباد و صالحان

لیکن اگر به فسق و فجورش کنی تو صرف

در روز حشر شوی از حزب عاصیان

این وقت تو است که قیمت بود بهشت

صد حیف ای عزیز که گردی ز غافلان

از جای نعمت عقبی برای خود

آتش کنی تهیه و گردی ز ناریان

گر تابه حال خفته‌ای اندر فراش لهُو

وقت است سربر آری از این خواب بس گران

مأیوس ز رحمت باری مشو مشو

برگرد سوی حق که بسی هست مهربان

آیت الله حاج سید محمد میبدی در کرمانشاه مدفون می‌باشد و مزارش مورد توجه عامه و خاصه مردم است.

منابع:

- 1- تذکره مشاهیر میبد، نسخه خطی، محمد کارگر شورکی
- 2- کیهان فرهنگی سال دوم، مصاحبه با دکتر سید جعفر سجادی

روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 3783، تیرماه 1371، قسمت مشاهیر علم و ادب - 3

گنجینه دانشمندان، ج 2، تاریخ علمای قم - 4

مقدمه کتاب ارشاد الانظار، تألیف آیت الله حاج شیخ هادی جلیلی - 5

کتاب زندگانی آیت الله بروجردی، ص 156، چ اول، 1340 - 6

کتاب سراج المعانی، تألیف سید ناصر حسینی مبدی، ص 333 - 7

